

حقیقت

شماره ۱۴۴۴، ۱۷ خرداد ۱۳۶۰

یاد شهدای قیام

۱۵ خرداد

امروز ملت ایران باید همتیارانه
پیام ضد استبدادی و ضد استعماری
شهدای ۱۵ خرداد را بجان گیرند
و ملت محکم خود را بر دهان
مستبدان و وطن فروشان و خائسین
بکوبند!

مبارزان راه آزادی و استقلال

گرامی باد!

سرمقاله

آقای خمینی!

قضیه اسلام نیست، قضیه تجدید بساط سابق و نوگری ابر قدرت هاست!



برسد که ما این تفصل تفاوت
شان روش شما و روش آن آدم
منعی معدوم، کده در سال ۱۳۵۳
کفنه بود هر کسی با سلطنت و
نانون امای کذابی مخالفت
دارد مستواند کدرنا مدهاش را
بگردونه اروپا یا چرا کوه
خواست برود، حدیسا...؟
نمیجه، آن نیندید خود کا ماشه
آن آدم، که تصور میکرد که اسن
کتور ملک طلق اوست، چه بود که
حالا اشان بزور میگویند
تاریخ را تکرار کنند.

مگر این کشور ملک عمومی

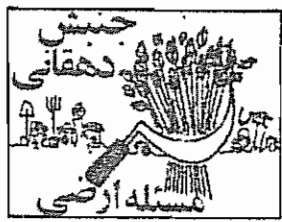
دولت طفق متمول چه مخالفت
با اسلام تصور کرده و خطاب به
مخالص گفت: "شما اگر با
اسلام بدد خوب تریست سر برید
اروپا و آمریکا و چرا کده دلشان
می خواهد... عبارت دیگر
هر کسی با این دولت و مجلس و
دستوری بفال ما سا، حاکم
مخالفتی دارد، این وطن دیگر
وطنی نیست و ارا سن کتور باید
شریفش را ببرد، با انداز ما م

اما مجلسی در سراسری
احرف خونی در جمع نمایندگان
مجلس ارسرحتم جنای را
بر زمان آورد، که هوا برای
رد گنده ای را بی اختیار
با دستپدیده معروف محمد زمانه
در میان اعلام حزب رسنا حیر
در سال ۱۳۵۳، انداح... او
مخالفت فراییده، آزادی...
خواهان و مردم را با لوانج
ارنجا عو نحمیلی مجلس و



اخبار کارگری

۲-۱۵



جنبش دهقانی مسئله ارضی

۱۶-۱۵

'لاله ها بیدارند'

اما...

فدائیان اکثریت نیاید
روپزیو نیسم میگار

صفحه ۲۶

۴۰ روز از درگذشت رفیق منوچهر بهادری گذشت

صفحه ۶

نکته!

یک شگرد دیگر...

صفحه ۲۳

صفحه ۱۷

اخبار اصنهان

اخبار کردستان

صفحه ۱۹

صفحه ۲۰



صفحه ۲۲

سرمقاله
شبه از صفحه اول

وهج شرونی حق ندارد به مردم بگوید در خانه خودشان بسرو. البته شما از نظر خودتان حق دارید بگوئید "ملت ما اسلام است". بر فرض که اینطور باشد، ولی از این حکم بعنوان سجدگرت که پس کور هم مال اسلام است، کشور مال ملت است و ملت هم هر طوری که میل داشته باشد در آن زندگی می خواهد کرد، جدا از اسلام یا آنچه فردا یا چیز دیگری باشد. تا ملتی هست کشوری هم هست، ولی مسخود گفت تا اسلام هم هست کشور هم هست. میشود اسلام نباشد ولی کشور باشد، ملت هم باشد ولی اگر ملتی نباشد قطعاً کشور هم نیست. پس کشور شیخ ملت است نه شیخ هیج مکتب و سلکی و مذحبی. آرمانش شد و دیدیم که کشور شیخ سلطنت و کذا هم، که از فرار هر کس مخالف آن بود نباید ترک تا سمیت میگرد، بود. آن رفت و کشور ما نبود. حالا ساز هم اگر امام میخواهد، میتواند آن را بشکند و ببیند، که این یکی هم میتواند سرود و ساز کشور بجا ندولت هم بماند. شما خواهید دید که فردا در حدای که مردم آگاه می و سره امان بالا رود و متوجه مسا و منبوم در نهایی مسا کمونیستیا سوت بگویند مسا گونیم همه خواهند آتوند تا غنا بدست نیاید بگریه نیکنه ملت کمونیسم است و هر کس تا کمونیست نباشد مساوار در رود تا آروسا و آمریکا تا حذف و هر جا که سل

دارد! به همان درجه ای که نماند! در ابتدا مروزا نس حرف را بر ندا هم حق داریم بزده همین حرف را تحویل نمادهیم. ولی ما کمونیستها چنین حرفهایی را کداز درون دربارهای خود کا مدببرون ما بدهرگز نخواهیم زد، زیرا کشور آن مردم است، کمونیسم هم از آن مردم خواهد بود.

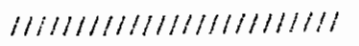
ارتجاعی احزاب، بودجه و ثنای و بعد هم تا عدتا حساب، مستاران خارجی و غیره مخالفند! با قرار داد و تعهد دادن به ابر قدرتها و بذل و بخشش بیش از ۵ میلیارد دلار از مال ملت به آمریکا و آوردن مستشاران و کارشناسان اقتصادی و نظامی از خارج که حضرات شورای نگهبان آنرا مصلحت

کشور مال ملت است و ملت هم هر طور که میل داشته باشد در آن زندگی خواهد کرد، چه امروز یا اسلام یا آنچه فردا یا چیز دیگری باشد. . . . آزمونش شد و دیدیم که کشور تبسج سلطنت و کذا هم، که از فرار هر کس مخالف آن بود یا بیدترک تا تبعیت میگرد، نبود. آن رفت و کشور ما نبود. حالا ساز هم اگر امام میخواهد، میتواند آن را بشکند و ببیند که این یکی هم میتواند سرود و ساز کشور بماند و ملت هم بماند.

اما نکته مهم در سخنرانی امام در جمع نمایندگان مجلس، گذشته با در تاشد و حمایت از دولت و مجلس و سیاستهای مرتجعانه و خائنانه برای احزاب حاکم بود، خلط سخن آن بود، امروز اکثریت قاطع نوده های مردم ایران با این دولت و مجلس و کلیه سیاستها و عملکردهای آنها مخالفند! با حزب بهشتی ها و آت ها و رستجانی ها مخالفند! با شورابعلایی نمائی و سباده گاههایی که زندانها را از ظا غوتی ها خالی و از روحان انقلابی کشور بر میگردوسا ما اسلام نکند، مهندوست و با نطف میکند، مخالفند! با فستوری مسا و نداده بندیهای حیوانی ملایان مرتجع و اوسسان چنانی دست مخالفند! بالا بده

استبداد و بردگی ملی است. حتی امروز دیگر با تک گفت که دعوا بر سر شما میت ارضی کشور حفظ چهار دیواری کشور هم هست! چه طایفه، زوز کسوی مغلظه بازی که شما اسلام و مکتب و کذا سعی دارد خود را به مردم بقبولاند و قدرت غصبی خود را کمترش و تحکیم بخشد که مثلا حافظ است حتی سر سرخوستان با نخواستگان و اربابانان کنا ر بیا بدوا کرد دستش برسد ما نندتضد، کروکا نه ای جاسوس در فضا، حکم هم خاستن خواهند کرد. دعوا بر سر استنهاست. ولی امامی سخنان حساس و نامود مسخو اهد کند که خبر، دعوا بر سر اسلام و خدا سلام است، بر سر قبول با ضرر روحا سبب است. ایشان خودشان دعوا می دهند راه می اندازند تا دعوا می اصلی، دعوا می واقعی موجود، دعوا می که میلیونها انسان به خاطر آن خود را بد آتش زده و خون داده اند، در برده سماند و توده، کوجه و سلاز ا در آن دخالت نکنند. البته مسئله اسلام و غیرا سلام و خدا سلام هم هست، مسئله روحا سبب و جا بگا و نفش آنهم هست. اینها سخای خود، ولی جوهر مسئله، اساس قضیه، اینها نیست. نفرت مردم از رئیس دیوانعالی کشور با طران نیست که اسن شخص آخوند است، هر که میخواهد باشد. نفرت مردم از این است که این شخص دزد و قا صب است، مال مردم خور و وطن فروش است، شیاد و زورگواست، حال اگر بنظر امام آخوندیعیی همین! آخوندیعیی سال به پرت و زور کو و طرفداران زدنند با ابر قدرتها، در این صورت مردم از آخونده سخنرند، و اکثر امروز نباشند فردا خواهد بود. دولت آقبا ن رحاشی و سبوی و اربابان حریفان دولت مد مردمی، و خاستن بید انقلاب و کشور است. دولت قرار داد و زدوبند با آمریکا و روس (مشهد در صفحه ۳)

سرمقاله بقیه از صفحه ۲



وانگلیس است و علت اساسی نفرت روزافزون مردم هم از این دولت سیمین دلایل است. حال اگر این دولت و هوادارانش میگویند این دولت دولت مکتبی است، و امام هم تاکید میکند که "مکتبی یعنی اسلامی" و آنکه مکتبی را سحره میکند اسلام را سحره میکند و در نتیجه هر کس با لوائح ضد ملی و ارتعاعی این دولت و مجلس هوادار این دولت مخالفت کند "مفسد طی الارض" است و "مرتد فطری" است و زنش بر او حرام است بابت هم با بدبختی او داده شود خودش هم با بدبختی باشد در این صورت باید گفت: این مکتب و این اسلامی که اینطور کستا خانه آرید خواهان و عاقدان قرارداد های ضد ملی و لوائح ضد ملی حاکم است میکنند و آنرا توجیه و تائید و تکریم میکنند خودشان مفسدان آن مکتب و اسلامی که دولتش ۵ میلیارد دلار از مال ملت ایران را بدستداران آمریکائی می بخشد و سبیل سرمایه داران انگلیسی را با یک قرارداد یک میلیاردی بوندی جزیب میکند، و چند قرارداد دیگر هم از این نوع در جیب دارد و بعد مجلس تورانی هم همه اینها را تائید و تصویب میکند، مکتب و اسلام آمریکائی است، مکتب و اسلام مرتدگان از انقلاب و مردم و کشور است، آن مکتبی و اسلامی که حواسان کشور را سحره و تظلم میدهد و بقیه اعلام و روزنامه و با

مخالفت با سیاستهای هیئت حاکمه بیزندان بیان ندارد و شکنجه دهد و روی بدن های لختان با آتش سگار " درود بر بهشتی" بنویسد و وسط لایحه، قصاص انگشت و دست قطع کند و برای کشتار انقلابیون کمین، و ویژه ای بر نظر جناب بیژاد نسوی تشکیل دهد، مکتب و اسلام محمدرضا تا هی است، مکتب و اسلام حاجی و بلایم

میزان نیست، مجلس و شورای کذائی اکثرای داد یعنی چه؟ رای بدجه داد؟ اکثرای را به قانونی دادند که حکام مبرع با نند دوره، آغا محمد خان قاجار میتوا شد چشم در آورند و کوش برند و با بخا طریلند کردن چند داند کوشواره از فلان هوا هر ترورش انگشت قطع کنند، در حالیکه نمایان مداران سازمان اقتصاد اسلامی در همین مجلس

خودا ما مهم با وجود آنکه با اصرار میگویید بن بستنی در کار نیست میداند که خود ایشان و مملکت اسلام ایشان هم در بن بست است؛ و الا داند ما مجبور نبودند خود و اطرافیان نشان را در همین سخنرانی از "خطر انفجار" و "فناهی همگی" بترسانند و بگویند "بترسید که ممکن است یکی از ایام الهه خدای نخواسته با ز پیدا بشود و آن روز دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن قضیه این است که فاتحه همه ما را میخوانند" "خطر انفجار" و "پیدا شدن یکی از ایام الهه" که ممکن است فاتحه همه شما را بخوانند، دقیقاً یعنی بن بست ...

آسیبی است، مکتب و اسلام ملک حال در عربستان و ضاء الحق با کسانی است، اگر مکتبی یعنی اسلامی و اسلامی هم یعنی حکومت جماعتی و قرارداد، حکومت لایحه، قصاص و بدجه، تعذیب و معامله با شرکت تالیف و انگلیسی و کروب آلمانی و بانکداران آمریکائی و بینجیل - فروش رؤیایی، پس در این صورت این مکتب و اسلام بر سر هوادارانش خراب کرده، و خراب خواهد شد. برخلاف گفته، اما مکتب میگوید "مجلس اکثرای داد و شورای بکشان هم آن رای را بدست، هیچکس حق ندارد یک کلمه در اجاع نداس نکوند، رای مجلس و شورای بکشان و هیچ ارکان دیگری خودی خود

دخل بر سر رای دهند که شمش خراب کرد، با بدچینی رای دهندگان نابکار و وطنفروشی بیرون کشوند، در چنین مجلسی را باید کجیل گرفت، اما مدرسا سرخندانیش برای نمایندگان مجلس از روی مسائل اعلی می سرد و غلط مبحث میکند، مردم داندان از حسابات حزب حاکم و سران دنا انقلابی و خاش آن، اردو ملی که به بحران و بدبختی امتنا - دی و اخساق سیاسی در کشور داندان میزند، از رای های ترو و وسطائی و کنور بری داده؛ مجلس و شورای بکشان بقول ایشان اسلامی در آمده است، ولی ایشان دانشمدرس "ترکبه نفس" و "سرتسلیم مرود آورده به اسلام" و ضرورت تبعیت از "رای اکثریت" میدهند، مردم میگویند این بوده و قراردادها و لوائحی که مجلس پی در پی تصویب میکند خائنانه انقلاب و کشور است، ولی ایشان بجای اعلام موضع روشن درباره این بوده و قراردادها و لوائح در برابر مردم از مقام مومرست مجلس و ضرورت تبعیت از رای اکثریت" بطور کلی و با طول و تفصیل صحبت میکنند و میگویند "سرتسلیم به مجلس یعنی سرتسلیم به اسلام"، حیرت بر تسلیم به این مجلس یعنی سر تسلیم به بدجه، نفتی و قراردادها که کشور بری داده به انگلستان و آلمان غربی و آمریکا؛ یعنی سرتسلیم به آنها مداران گردن کلفت سازمان اقتصاد اسلامی که میلیاردها تومان از خزانه کشور را از طریق ورود احساس خارجی به کشور و در هم کوبیدن تولید داخلی به جیب زده اند؛ یعنی سرتسلیم به قواستبسی قضائی (قصاص) با دنا هاس خونخوار آثورو با سل و ایران و روم دوران سرده داری و خلفای اجوی و تاسی و منول و سلاحد، مردم میگویند ما سرتسلیم به بختی و همکاران حسرتی در (بقیه در صفحه ۳)



گزارشی از مسجد سلیمان روز کارگر

کارگران این شهر که از داشتن شوراهای واقعی محروم و مسدود از عدم تشکل برخوردارند و سال گذشته تاخت و تازهای مسندانه، حرب حلیلی زودشوراهای جوان کارگری را که نازده در آغاز کار رسیده اند از زیر بردولدا برای سرکزاری روزجیانی کارگر کارگران از تشکیلات لازم برای سرکزاری مراسم محروم بودند. در طی مسازات صنفی که کارگران حضاری علیه مسئولین امور و مخصوص توطئه های فدکارگری نماسی داشته اند بر خسی کارگران آگاه و بعنوان سما بیندگان کارگران مشهور شده اند و می شود گفت که کارگران حفاری از یک حداقل تشکل برخوردار بودند. کارکنان شرکت نفت که از شورای نمایندگان واقعی محرومند، در مسازات بحقیقتان علیه توطئه های فدکارگری مسئولین حزبی و نسائی کشف و عاملینتی در این اواخر از بستنیانی انجمن اسلامی صنعت نفت برخوردار شده اند و میتوان گفت نسبت به این انجمن که در مجموع از عناصری آزاد میخواهد و استقلال طلب مسلمان تشکیل شده است، اعتماد پیدا کرده اند. کارکنان موسسات دیگر مانند کارگران تانگ سازی ارنس و شهرداری که کاملاً پراکنده اند و پرسیزیون از هرگونه تشکل و داشتن نماینده محرومند، انجمن اسلامی شرکت نفت و نمایندگان حفاری و عده ای از کارکنان دیگر موسسات مانند نیروگاه سد، که در صدد بزرگداشت این روز کارگری بودند تصمیم گرفتند که مستقل از هر حزب و گروهی با شعارهایی کدبیا نگر خواسته های اکثریت کارگران است و با انقلاب ایران مطابقت دارد در این روز سه راهی باقی سیرد از نود و این نظرمورد حماست جمع کثیری از بقیه کارگران و بعضی محلات شهر قرار گرفت. هنوز اولین بحث های نشست مشترک کارگران بدیابان نرسیده بود که توطئه کاری های حزب ملعون و مستبد خاشی به انقلاب شروع شد. آخر مکر حزب جمهوری میتوانست تحمل کند که کارگران مستقل از حزب ملعون حرکت کنند؟ جناب ربانی امام جمعه (که بی عفتی اش در "صیفه کردنیهای" متعددش در گمراهی دختران جوان این روزها بر سر زبانهاست) از نمایندگان کارگران میخواهد که روز کارگر و روز مطهری با هم باشد و "روحانیت مبارز" (منظور خود ایشان و هم حزبی های ایشان) و سیاه پاداران هم در برگزاری مراسم کارگران باشند و قطعاً بهای هم قرائت کنند. جناب ربانی که میدانست اگر مراسم کارگران سرکزاری شود از بیشتیانی و سبب بر خوردار خواهد شد و در عوض در مراسم حزبی ها از کارگر جماعت خیری نخواهد بود و آبرویان سیش آرایش در شهر خواهد رفت در کمال حدبازی از در ملاطفت و سازش وارد شده بودند تا نمایندگان راهبرای هیبانی مشترک بکشند و آنگاه آنطور که رسم حضرات حزبی است، در روز مراسم بلندگو و تندیس را با روز جماعت و ۳-۴ هفتان سبب بگیری و هر چند که خواستند بگویند در واقع نمایندگان کارگران هیچ کاره نموند، چرا که حضرات سارهاستان داده اند که در حاکم طلبی و احما رطلی زیر همه قول ها و وعده ها - بیان زده و به هر فریبکاری دست بزنند. کارگران مبارز و آگاه ساخطی را بر این توطئه ها نرفتند و اعلام کردند که در سال یک روز روز کارگر است و آنیم با یاد از طرف خود کارگران سرکزار

شود، روحانیت و پاداران هم نمیتوانند ما شنده همدم مردم در راهی بائی کارگران شرکت کنند و این مایه خوشحالی کارگران هم خواهد شد و با این جواب دندان شکن نشان دادند که کارگران حاضر نیستند حضرات انتحالی، نورچشمی را بسند عنوان قبیح بپذیرند و در مقابل املحه بدست ها هم حاضریه تسلیم نیستند و فقط زیر پرچم خودشان حاضرند حرکت کنند و به روحانیت و پاداران هم مثل همه مردم اجازه شرکت در مراسم را میدهند. وقتی تمام توطئه های حزبی ها با هم هدستی اکثریتی ها که ماهیت فدکارگری خود را در این چند روز به خوبی به کارگران نشان دادند نقش بر آب شد حضرات حزبی با شنده همسند به عنوان قسم کارگران اعلام راهی بائی خودشان را کردند و آزادانه به هر مویس سرزدند و هر را دعوت کردند که در بزرگداشت روز کارگر و مطهری شرکت کنند.

نمایندگان کارگران نیز بنا بر نظر تسلی زمان راهی بائی کارگری را اعلام نمودند و اعلامیه ای را برای اطلاع همگان منتشر کردند. متن این اعلامیه در ضرورت همبستگی کارگران جهان علیه غارتگران و مستبدین جهان بود و اعلامیه، انقلاب ایران را علیه هرگونه سازشکاری و استبداد طلبی، علیه فرصت طلبانی که با خریدن بقدرت انقلاب راه ناپودی می کشانند، طلب میکرد و در آن ذکر شده بود که بنا به فرمایش امام مردم باید در صحنه باشند و تسلیم هیچ قدرتی نشوند و متن این اعلامیه که همبستگی جهانی کارگری را در مبارزه علیه حیان خواران شرق و غرب و مزدوران بعشی و استبداد سازشکاری را و ساری نکات درست را در بر داشت بنا بر موقست ذهنی کنونی کارگران، در جایار جوب جمهوری اسلامی و بیشتیانی از آبت اله خمینی نوشته شده بود و هر چند از محتوای کاملاً انقلابی برخوردار نبود، ولی در مجموع محتوای آزادخواهانسه و استقلال طلبانه داشت.

آنچه مسلم بود این بود که ربانی و عاملینش که از طریق فریب نتوانسته بودند کاری از پیش ببرند با جماعت جلو خواهند آمد و با در دست داشتن تمامی امکانات سعی خواهند کرد که از این راهی بائی جلوگیری بعمل آورند و داستان انقلاب شب قبل از راهی بائی سخما تلفنی با نمایندگان کارگران تماس میگردید و اعلام میداد که آنجا حق راهی بائی ندارند و تنها یک راهی بائی در این شهر بر گزار خواهد شد و آن نیم راهی بائی خود حضرات است و سی. کارگران از داستان سبخواهند که این حکم را کتبا بویسند و داستان جواب میدهند که در اعلامیه ستاد انجمن مسجد سلیمان که در روز دهنده این مسئله ذکر شده است. حضرات در این اعلامیه با کشدن خط و نشان و تهدید از همه سبخواهند تا محومیت حضرات مستبد جماعت را بپذیرند و فقط در راهی بائی آنها شرکت نمود و کربنه فلان و بیمان خواهند کرد و اما این منطق رستاخیزی را هم ما سبب در تاجار معدومشمان بگذارند "قا طعیبت انقلابی". غافل از آنکه اگر این شیوع قاطعت ها سبب نگر انقلابی بودن است بیشرمان نیست که به درک واضح شد در اینگونه اشغال (بقیه در صفحه ۵)

۴۰ روز از درگذشت رفیقمان منوچهر گذشت

بودیمیم تا ساری پی نبرند کدریس چیره بظا هر آرام واحد تلامها که نهفته است .

منوچهر را عشقاده نایب و قدرت شده ها کد اصل اساسی در ما رکسم است ، بسا راسخ بود و این رانده تنها در کشت رهبران اشکلات جهان آموخته بود ، بلکه در رهبری مسازرات کارگیری ، در انقلاب دوم ایران ، در عمل تجربه کرده بود و هم از انزوا ستوار در خطی تا رکسمی حرکت کرده و لوزا به کوتید جوانانی را که سجا طوکم آگاه هی و عدم درک نایبیت نوده ها به دام روز و نویسنه یی حاش استاده و سجا ای تکه به قدرت نوده ، شیفته قدرت حکما مینور و کراب و اسنما رگرا بر قدرت روس و قدرت یونانی به قدرت رسدگان برنوع حزب سر و عکس کرده اند اسجا به دهد ، هر چند که سجا طرمونست نسکلانی ای ، در این کار از معدودیت ه ای زیادی سر حورده ای بود و هسته ها به میگویند تا اردر چه آگاه هی و موقعت نسکلانی ای ، روز و نویسنه یی شوئی سرید .

منوچهر در مسازردها دمساز نجاج بود آتنی سا پذیر و تالسترین شکل این حقیقت ای را در حش بنیگران خارگ نشان داد .

منوچهر برای ما مسلمی نبود در جکونکی کار با نوده ها ، مظهری بود از صداقت ، از عتی به نوده ها ، از تواضع و متان و بیگیری . کرد زودار میان ما رفت و عدم وجودش برای جنسی جوان و کم تجربه ما فایده در سا کی است ، ولی خاطر هاش ، در سنای آموختنی زدیکش بدون شک ما را همسند را هسما خوا شد بود . زندگی در راه مسازرده برای بهروزی اسانها شیرین است و مرک حس نویسدگانی براسی در دماک . سالعد سو واکر که هسگار ای ساق او در خارگ در سوک ای سوید " ایران در اردت دادن یکی از پیرس سرورده اس نایب سوک سید . " کرد و رفت ولی زندگی با سرجاست و مبارزه برای پیرری سر سرار ، و بدشسان منوچهرها حاد و با هسما و دان حوا هسما شد .

۴۰ روز از درگذشت رفیق عزیزمان منوچهر میگذرد ، رفیق کده پی حدها و هزاران کد او را میشناختند مطرندا کاری ، محنت مدافع و تواضع بود و هم از ایی بابت کمونیت بودنش مایبسه افتخار ما است ، زیرا کد کمونیتی ما با سجنس ما شدند و کردند در کمونیت بودنشان شک با بد کرد . ما رفتای او را تصور نماسم خصوصیات بر دمساز سراجی کد او را سعی نشناختند تا حور مانده ایم و راسی بگریم سو در سکی کمونستیای راستس رادر سوید و آسهم در منافاتی حید برای دیگران تصویر کرد ؟ ولی بیبر حال ما سعی میسکیم تا حدی هر چند اندک ، از او سخن بگوئیم سارندگان به پیرری را آریا کد خوب ریستند و اکوز رستند . اسما موزند و بنظ ایی گونه است کد سنوار از منوچهرها تحلیل کرد .

اولین خیزی کد مردم ما رسوچهر دیده اید همدردی و محبت بی باغی است کد او دافع و تسلور عشقی بی پایان آوت نوده ها چی کد در سکی و بر حورده های روزانته با آنی حورده کرسد و مردم از او خاطره ها دارند ، ارا و کدیاری کرنا مگانی بود کد شکلی داشت و سر اسنما ، منوچهر تلب بر پیر ای از سارا حیها و در ده های دیگران به دردمس آمد . و تا در صد در سسع سکلتسان برسی آبد آرام سبکرت ، هر چند کد سدا ننت همه اس دردها ناغی ارا سدا ستنا رده ؛ ما ست و هم را بنور برای ما بان دادن سد ظلم و اسنما رهده هنی این راندا میگ کرد . مردمی کد اسیدم غلام و محبت صیبا ندر اید هسما بودند و عاتس او بود اکیون در بنفادش براسی عماد ارتد و جد سبارگسان کده رانعا معتمد به زیر برسی یا روما و رمان را از دست داده اند .

اس عتی به نوده ها و هم و سرب ارعوامی کد با عت سده روزی بر دمیده ، پیسرری اکرد در سراجکی اشکلات سراسی بد سار رده اس و در منوچهر سمودای عالی ارایی احالی والا راهبه سسده سدر وحتکی نایب سیرس در سراجکلات و سخی های را سبزاره یی حاشنت میگرت .

مسجد سلیمان

سده از صفحه ۵

ما سار ما نیکه بوده های زحمنکش و طبقه کارکر را زیر پر حرم پرولتری سبیم راه دراری در پس داریم و تا آن زمان آنان کد حور را سسما رگران و وحسکان شهر و ده ها سده و پرجم آنها را نگان میدهند و ارکارگران در عمل دوری میخوسند و روانسبع با حرا جوبانی پس نیستند و سبهار راه ما بدن در کنان آنها سبشناسی نا طاعنه از مسازرات آنها و کوشش در ارتقاء سطح آگاهی و مسازرات آنها است ، اسر خنیا راهی است کده مبرر آن ارکان رهبری برولتا را بسنی حزب پرولتا را نولد حوا هسماست و آسولنت سگر هج سبروشی را برای مقابله با آن خواهد بود و مراسم جام سبروزی نیاشی از آن کارگران خواهد بود .

رفیق در مدافع و ای غل و عشق بودن سیر سوسد سو و آنیانی کد او را میشناختند طی سالیان مدافعا را تجربه کرده و سسده در سسما سار و آرتد و عساد ای سسان سو خد و ادا سسند و هم از اسروا و سسواس برای بنیگران خارگ رهبری موزده اسناد کرده و برای سماعی آسما ساس با وری مومن ، هم را سبر و سو کد حشینیای او در سدر ماسری دوجدان داس و مبر حشینی و روبری سسنا و سحرسی را سارای روساروشی با او در سسکان سوده ها بود ، سراجکدر اربنی روسا و سبروی سسند چسون نوده ها میدانستند کد منوچهر آنچه را که میگوید حقیقت است و پردای عربی و اظیار بطری موزد و نا با از اید هسما حوا هسند ، او ارحود سساتی ها و عمل نرونیهای رونفنگران و سرجورده های کد سگار اندوسک سترانه نردی و گروهی کد ستاسنانه کد سسرونفنگران سسای سده رهمنند و یسین دلیل سی توانسند سسنا نوده ها را حور حش کسند ، سدر و سوسراجی هسن هم س روز و در میان نوده ها محوب تر میند . ایی و سکی او سسلاد و جامع و لروشی بی نظیرش در سرجورده ها و رفتا ، تا طلی



اخبار کارگری

گزارشی از

مبارزات چند ماهه اخیر کارگران شرکت فیروز

مباداه سرپرست برای خام کردن کارگران بستن دادگاه به کارگرهای قسمت خودش باداش داده شود، اول از همه سرپرست ها و اسنادها پایداتی داده شود و بعد به زبردست ها و پادوها که روزمرحی محاضی به عنوان پاداس . این کار اعتراض کارگران بلندند که کارفرما وقتی خود را در کارکن مسئله دستشورداد مفدا رکعی هم پاداس بددیگرافراداده شود. دسترگی از آن قسمت رسان اعتراضی بداشن چرا چون میگفتند که پاداس کورنی وخفه سو . قسمت ما سا رزه برای گرفتن پاداس نسبت خود . گرفتن ۲۰ روز سو دویزه . گرفتن اما فده حقوق و احتلال نورا را شروع کرد . هر روز جمع بستیم و هر روز نورا تیباس میکرسم و ما حوا ها بخور رژی نورا در جمع خود بستیم . از اول فروردین تا او احرار دسیست ۲ ماه هر روز ۲ روز در مسان . جمع بستیم و تک الی دو ما دست کار بستیم با الاخره سو اسسم و فیک مجمع عمومی را یکبریم و نارنج اسن حله رو آن دست نورا بود . ما الاخره در او احرار دسیست ما نسبت ۳ بعد از ظهر سوکی کارخانه به مدار آندسل است که جلسه عمومی بود . نورا فکر کرد کارگران را در خواب غفلت گرفته و آتیمسا آماده کی سر خورد با نورا و بدیریت در اس حله را اندارد ولی کور حوا ندند و پوز این حال خامی بسش نبود . آنها میخواستند طوا این حرکت کارگران را یکبرند و بارها ما را تیدیدسه اخراج کرده و فدا ایطاب معرفی کردند و تبلیغ میگردند که سرادران با درجه ها ن خود را خالعه اند در راه انقلابان ندا میکنند ولی شما مغا طریبول همیشه دعوا و درگیری ایجاد میکنند . کارگران کسول اسن حرفها را نشنخوردند چون صاحب منصبان کارخانه همه طا غوثی و طرمدار بختیا ربوندند . دوسه نفر کارگر را اضر کرده تا اگر کسی حرمی زد اطلاع بدهند و با مانع آن شوند ولی باز موفق نشده اند . و ما به بعضی کارگران دادند ولی باز موفق نشده اند . خواستند بسن مذهبی ها و ما اختلاف بسا ندازند که خوب موفق نشده اند ، ولی یک نفر از کارگران که وضع سرفه ای دارد خریداری شد و الان حکم جاسوس کارگزار دارد .

هر بار با زور و با نماینده وزارت کار یا صنایع و معادن برای با زرسی مباد مشورا و مدیریت نورا آنها راه پیش این کارگر میبردند . این کارگر دیگر هیچ پایه ای ندارد و هیچ با او برخورد و حتی سلام علیک نمیکنند .

ما الاخره مجمع عمومی همانطور که در بالا اشاره شد فرارسید ولی ما یک دوساعتی مانده به حله خبردار شدیم که ساعت ۳ همه دنیا ر خوری رفته همه شسته و آماده . بیکار با این مفتخواران و ناگهان میشدیم . مدترعا مل ورشش نورا و شورا و کارمندا همه آمدند . مدترعا مل هسوزتوی جلس دنیا نده از توی راهرو صحبت را شروع کرد و گفت من با راحت و روئس و بدون دنده اعلام میکنم گذر متاسفانه هیچ کاری نمیتوانم کنم . کوش بدهد آنها شی که هوس نورا ی جدید کرده اند گوش کنند ، آنها شی که ۲۰ روز سو د و پاداس و اما فده حقوق میخواهند ، آقا ما حج کار نمیتوانیم بکنم . خوب ، حالا شما را میخوانم ، اسم الله ! گزارش بدهد و وزارت کار .

(تقدیر صفحه ۸)

کارگران این کارخانه از چندین ماه پیش از بهمن ماه سال گذشته و تا بد هم بیشتر در کسب ماززه سود ویژه و اغافه حقوق سال ۶۰ و تغییر شورا بوده و هم اکنون نیز این ساززات ادا ندارد . در طی اس مدت کارگران به بعضی حوا سده های خود رسیده و برای گرفتن با شر حوا سده های خوش به سا رزه ای بی - اسان ادا به حوا هندند . طرح ما را با سدن نورا سو دگر در دی تا دگدستی کارگران آماده . گرفتن سو دویزه ستا ستال - های نسل نده استلا حده بردا حده سو دویزه به مجلس برده شده بود . در اس هنگام کارگران به حسب وجوس آماده و هر بار حلیه نورا را کردند و حوا سا رزه را خف سو دویزه بستند که هر سا ز نورا سکت هسوز بستیم و ستا ستال سو دویزه ای در کار بستا ست . کارگر کران میکنند ما ستال سو سسل سا لیلی نسل کار کرده و حسی حدن سا ربا لیلی نسل لدا حوا ن سردی را کدستلا میکرستیم ما بدسکریم . ولی نورا هر بار ما را بسنر سو د دولت مگذا ست . سا ر سو بست طرح سو دویزه را طرف دولت حید کارگران را احب و حتمکس شدند . حسی طرفداران دولت سا ر کرد را س مسئله ساتاری میگردند و انقلاب ، اخلاک و مخالف دولت معرفی بستند و آن وقت سو رو کار را س کارگران با دولت ، و رارت کار ، سا ه ، حرب الیی و غیره بود . نورا حلیه خوب اس با رموقی شد و سو د چون سسا اس طرح دولت و نما ما رکا بچای سرکوب او بود . کارگران هرگز ندگد در مقابل این روزگوشی ها صمدت هسود و دیگر سسوا شدند معا بله با اس طرحها و حتی مقابله با دولت بستند چون شکلات واقعی خود را ندا شدند . شورا برای اسگد از این ما حوا خلاص شود نورا یک ماه از سو د را بردا حده و کتف یک ما ددیگرا استند و ۲۰ روز همه ما نعلیق بستیکرد . ما دوم سو د بردا حده . تعطیلات تعدیرا رسید . کارخانه تعطیل . کارگران خسته را کار و ناراحت از کار فرما ، ولی به همه اند فرده ای بپتر کارخانه را ترک کردند . یک هفته بفرده صبح تنسه هند با جهره ، سسا را آرم او آماده ، بیکار رو اند ، مسدان کار و میا - رزدند . کار فرما و مدیریت نورا ، آنها شی که از مسارزات کارگران سیم و ترس بری بیکر شان افتاده بود برنا مه ها شی برای سرکوب کارگران در سومی پرورا ندند فوراً بعد از مدتی به فکر تفسیر سرپرست قسمت بزرگ افتاده و بپره های که قتل چا بسوس و سوکر ما ح که کارخانه و خا رچی ها بود به سرپرستی آن قسمت تعیین کرد . اس فرد سو کروجامی کار فرما و محلی آلمانی ها بود . همه کارگران به اس تویب ای اعتراض کردند ، همه خواهان بکناری اس فرد سو دن همان سرپرست تقدیمی شدند (چون سرپرست فعلی نورا سو آدم حوسی بود) همه ما خوا سا ر مجمع عمومی شدیم که سو د اردر گیری های محکمت ما الاخره سو د سو د سو ز واقع شد . در اسن حله طیق سده های فعلی کارگران را به حوا ن هم سا حست و از آب کل - آسود ما شی کرستمد . طرفداران سدیگای فعلی (رژیم گذشتند) طرفداران نورا ی فعلی و طرفداران نورا ی واقعی و حزب انپی ما حده حوا ن هم افتادند . در این وسط کار فرما به حوا ست خود و سست بپره ، واسته خوش رسد . ولی هیچ یک از کارگران حاضر به همکاری با این سرپرست نشده سو دند و هر روز درگیری و بحث رخ



اخبار کارگری

شرکت فیروزا...

پیغام از صفحه ۷

بروید بگوئید شورای ما، مدیر ما، مدکارا رکزه هستند. آنها را عوض کنید، هرکاری که دلتان میخواهد بکنید، هیچ کوتاهی هم نکنید. ما همین هستیم و بیشتر از این هم نمیستیم و هیچ کاری هم نمیتوانیم بکنیم. بروید بدید هرکجا که دلنمان میخواهد بگوئید... و سی ادا مدها را که عوض کردنش برای ما فایده است چون قانون دولت حامی شورا است، تنها نمیتوانید پاداش بگیرد چون کنسای با دیدن وزارت نامه ارسال کرده که ما محاربه دادن آن شویم و اگر بدون اجازه بدیم همان بلائی که سرمدی اراج آوردند بر ما هم سوار شدند. سودویزه، ۲۵ روز را استوار شدیم چون گذاریم خانه نسبت ۵۶/۷/۸ سود داد و اگر هم داده صرف برداخت و اینها شده چون ما هیاتنده ۶۵ هزار تومان نقد سدیم و ۲۷ میلیون تومان هنوز مترومیم. اما نه حقوقی نمیتوانیم بدیم چون دستور صریح از دولت نرسیده... در این لحظه یکی از کارگران سخن گفت: آقای مهندس ما هیچک از این بذل و بیخشنهای شما را نمیخواهیم فقط خرج زندگی ما را بدهید، اینها را که نمیخواهیم هیچ حقوق هم نمیخواهیم... یکی دیگر از طرفداران مدیر عامل بلند شد و گفت آقای مهندس معذرت میخواهم که وقتتان را میکشیم، ما علاوه بر اینها هم حق دارند، گرانی، تورم و بیکاری و همه منجر به این برنا مهند. لذا ما یک تخطیی بدهید... بعد از آن کارگر پیشرو آکا می-بلند شد، چنان اینکارگر چشم آسوده بود که نزدیک بود سوزد و خورد سین او و مدیر عامل بگفت: این کارگران از لحظه بعد از این صحبت و عکس العمل مدیران گران شده بودند. این کارگر در جواب مدیر که میگفت هر چه رخصتیش بیشتر باشد جوش پیش خدا و در آن دنیا بیشتر است، گفت گنه بی مذهب و ای دشمن کارگر و حامی سرما بیدار، تود را این دنیا همه عش و نوشها را میکنی، تود را این دنیا دست بد خیا شتی میزنی، چه خیانتی بزرگتر از خیانت به کارگر؟ توحودت اصلا بفکر عاقبت نیستی، ما را حواله به آن زمان میکنی !!؟ ...

سعدا زان ما گفتیم جناب مدیر و ما مهندس شما گفتید پاداش نمیتوانیم بدیم چون دستور کتبی نداریم، چطور شد وقت سیخواستید میره و ما ملوا بسته خود را در آن قسمت برای سرکوب کارگران بکار ریدید همه پاداش دادید و حالا که رسیده دستور کتبی میخواهید، شما گفتید کارخانه سود نداد و ما ۲۵ روز را نمی دهیم، کارگران خود را هتد که ما آنها را ۵۸ و ۵۷ و ۵۶ هر هفت روز ۲ روزش بیکار بودند و بر عکس امثال (۵۹) یک روز بیکار نشده اند. چطور رسیده امثال بدرد دست سودهای سالهای نسل نرسیده و گرم رسیده و ما را بیایند بکشند؟ این یک حرف بی معنای است چرا که "حسین دردی کرده ما مدعی تاوان شده". شما گفتید ما نه حقوق خسریم نیست چون دولت دستور نداده، و نه سی ربح تا ما مان ما، نکم کرده بچه های ما، احار و خانه های ما طب افتاده، ما، گرانی سرما آوردیم خودتو، هتد که ما

با پیشری حقوق نمیتوانیم تمام مویا لا اقل سرخی از گرفتاریهای زندگی راحل کنیم، جدا جدا از این بیترکده همه ما عملا هر روز با آنها درگیر هستیم، شما گفتید شورا عوض کردنش بی فایده است جزای بی فایده باشد، شورا برای ما جدا کرده؟ چرا الان شورا خفته شده؟ او که خود را ظهار میکند شما ببنده، واقعی ماست، پس ما الان رودر روی شما ایستاده ایم، عوض اینکده شورا بلند شود از حقوق کارگران دفاع کند، الان سفل شما همگام و همراه شما بسا سکوت خود حرفهای شما را تا شید بکنند، با لخره آقایان جناب مهندس و شورا، شما هیچ کاری برای کارگران این چند سال کرده اید؟ جز آوردن ۲ عدد آب سردکی، ۲ عدد کولر و ۳ عدد دوش که هنوز نیمه ماست؟، بدن خاطر ما خواهان شورای واقعی هستیم، ما خود بخوار هم سر نوشت خود را دست میکشیم.

مدیر عامل و شورا وحشت زده خواهان آرامش شدند، وقت تمام شده بود، ساعت کار با ما مان رسیده بود ولی ما خواهان یک طئه، طو لانی ندیم، مدیر عامل و شورا گفتند با عرض معذرت وقت تمام است و فردا ادا مدها هم دادند. فردا صبح آمدیم، همه بچه ها دیگر آمده، بیکار ما حتم و نفرت از ایشان (کارفرما و شورا) یاد میکردند، ولی مدبر میسده بیده قصد از چه قرار است صبح روز بعد موقتا قرار گرفته بود رفتند و ما ببنده، وزارت کار را ببنده عنوان جواب دادن به خواهستهای ما فرستاده بود و دستور داد که شما بروید و حتما بعضی از خواهستهای آنها را سدهید چون اگر کاری نکند س دیگر آمدی به "فیروزا" ندارم و "فیروزا" با آن همه ثروت و پول و بر ما به از دستمان در میروند، صبح اعلام شد قسمت ما را پاداش میدهند، فردا اعلام شد که سودویزه ۲۵ روزه تخویب شده و پرداخت میشود. روز دیگر اعلام شد شورا وقتش تمام شده با بایندت خود شورا و با انتخابات شود، که ۱۵ روز برای فرست اینکار را ختمان دادند ولی کماکان مرکز شورا نادر دفرما میرسد هر چند که طرفداران سندیکای قدیم فعال شده و در پی نفوذ خویش در شورا هستند، فعلا کارگران با داش برابر ما ۱۵ الی ۲۵ روز در ماه گرفتند، سودویزه هم را ما ۲۵ روز را گرفته و در فکر کار تندی کردن شما بنده های واقعی خود را اشتخامات جدید هستند.

زنده باد مبارزات سرخ کارگران
مرک بر ما میریالیستهای خونخوار شرق و غرب
برافراشته با دیر جم سرخ بر استخار طغنه کارگر

نیازمندیهای عمومی

جهت اجرای سریع و بی دردا احکام شرعی:

سختی، مشغری امکان هستری

بررسی کردند.

یک دستگاه گیتین ۶ متری خریداریم ۷۸۸۲۲۶۶

فرشته



به مبارزه علیه اخراج کارگران

مجمع فولاد اهواز برخیزید!

راه هر بیاند و شکلی افشا باید کرد!

اتحادیه کمونیستی ایران - اهواز ۱۳۶۰/۲/۲۱

مختصری درباره حرکت کارکنان ذوب شماره یک

صبح روز ۱۳۶۰/۲/۱۵ شایع میشود که از طرف رئیس مجتمع آقای موسویانی حکم تعطیلی کارخانجات ذوب و ریخته‌گری شماره ۱ صنایع فولاد اهواز از تاریخ ۶۰/۲/۲۰ به سرپرست واحد مهندسی محمداحتیاطی ابلاغ شده و تا مه‌اش در امراداری این واحد نزد مسئول اموراداری بحرالعلومی میباشند و این تا به نیز از آنجا شروع شد.

کارکنان این واحد بلافاصله تصمیم به گردهمایی گرفتند. چیزی طول نکشید که اکثر افراد جمع شدند تا محبت و بیای عدم محبت این مسئله برایشان روشن کرد. چند نفر از کارکنان درباره این مسئله صحبت کردند و مطرح نمودند که اگر این مسئله صحبت داشته باشد این حرکت فدا انقلابی و ضد مردمی است و نهایتاً به نفع امپریالیستها میآید.

یکی از کارگران میگفت که تعطیل کردن ذوب توطنه‌های است برای به تعطیل کشاندن کل مجتمع و بالاخره بیکار کردن و آواره کردن تمام کارگران و بقیه افراد خواهد بود و یکی از کارگران میگفت من دارای هشت سرعانه هستم که خرج آنها را میدم هم حال که بیکار میشوم در شرایطی که کار نیست چگونه خرج خود و خانواده را در آورم، بگردن این دولت می‌کوبد ما طرفدار مستضعفین هستیم پس چرا ما را بسوی بیکاری میکشاند. آیا در بدر شدن ما هم شد مسلمانان؟! و یکی دیگر از کارگران میگفت ما در زمان رژیم شاه وضع فلاکت باری داشتیم و بسا کارگران همیشه زور میکشیدند مدایمان که برای گرفتن حقمان با لایحه مدیسه سرمان می‌ریختند و ارتش و ژاندارمری را به سرانگمان میفرستادند. انقلاب کردیم برای اینکه دیگر مورد زور قرار نگیریم اما حال میبینیم وضعمان روز بروز بدتر میشود. حقوق ما که به بالا نرفت هیچ بلکه مقدار مزیای ما را هم کم می‌کنند از ما مان گرفتند. ساعت کار را با لایحه و حلاله کم کردارند بیکار مان میکنند. یکی دیگر از کارگران میگفت ما را که دارند بیکار میکنند از کجا بسا و ریم که شکم‌زن و بچه‌ها ما را بسیر کنیم آیا لا برویم آقای بحرالعلومی را بسا و ریم تا مسئله را برای ما روشن سازد. چند نفر از کارگران به سراغ بحرالعلومی که مسئول امور اداری ذوب شماره یک میباشد گدا ایشان هم در سه شمر ریاستند توطنه‌ها با سرپرست واحد مربوطه و کارفرما همکاری لازم را می‌نمایند. رفتند و او را اسبابان جمع آوردند. یکی از افراد پرسید آیا حکمی از طرف رئیس مجتمع در رابطه با بستن ذوب یک به شما داده شده؟ ایشان در جواب سؤال گفتند بله، حکمی از طرف آقای موسویانی به سرپرست واحد ذوب گدا مال بر بسته شدن آن واحد بود دست من رسید که برای آن بخوانم. (بقیه در صفحه ۵)

سراخام طرحی را که برای تعطیلی مجتمع فولاد اهواز و اخراج کارکنان آن ریخته بودند، روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه آغاز کردند. آقای موسویانی رئیس "مجمع فولاد اهواز" با وقاحت تمام اعلام کرد که بنا به دستور دولت دیگر لازم نیست کارکنان ذوب شماره ۱ به کارخانه بیایند. وقتی در مقابل سئوالات و خشم کارگران قرار گرفت، هفت تیرهاش را کشید و برای رعب و وحشت کارکنان تیراندازی را شروع کرد. همزمان با اینکار "موسویانی" هفت تیرکش چندین هفت تیرکش آجلی شده که مخفیانه با لباس شخصی اطرافش قرار گرفته بودند، هفت تیرها را نشان را کشیدند و شروع به شلیک کردند، تا رئیس گردن کلفت مجمع فولاد را از معرض خشم کارگران دور کنند!

آری پاسخ سؤال کارگران را روسای وابسته به حزب جمهوری اسلامی با هفت تیر میزدند و قدا ره بندان آنها همه جا برای سرکوب هر نوع اعتراض برحق کارگران اینچنین آساده اند!

سران حزب جمهوری اسلامی و دولت مستخشان که دست و دل سازانه میلیونها دلار بیول مردم زحمتکش ایران را به عنوان "غرامت" به اشرف پهلوی ها میپردازند، که ۶۶ میلیون دلار پول بی زبان را به جیب دلال نامعلوم اسلحه بدون حساب و کتاب راز می‌کنند، که از طریق "بازمان اقتصاد اسلامی" میلیون ها تومان سود دلالتی بجیب میزنند، حالا برای کارگران زحمتکش و شریف فولاد چرتکه میانداوند و از "شرعی" نبودن حقوق دم می‌زنند. حرف از این میزنند که جنگ است و دولت پول ندارد و در مقابل کار باید حقوق داد!

نوطه: اخراج و بیکار کردن کارگران بدست حزب جمهوری اسلامی ادا می‌دارد، اینها برای بیشتر بجیب زدن سرمایه این ممالکت، برای جبران رسوائی ۶۶ میلیون دلار، و برای پرداخت "غرامت" به اشرف، آن هرجاشی درباره شاه معذورم، لازم است که حقوق کارگران را قطع کنند. هزاران خانواده، زحمتکش را به سرستی بکشاند تا دل امپریالیستهای آمریکایی را بدست آورند.

کارگران مساز فولاد! اگر می بینید از ذوب شماره ۱ آغاز کرده اند و بعد خانه سازی "مانا" را اعلام کردند معنی اش اینست که بعد هم نوبت بقیه قسمت های دیگر فرا میرسد حتی بسید نیست که "گروه صنعتی ملی فولاد" هم در نوبت بعد باشد. هشدار با تین تنها راه مقابله با این اخراجها اتحاد دو مبارزه، شما کارگران است ۱۲۰ هزار کارکن فولاد و چند هزار کارگر در خطر بیکار شدن و اینست "شرکت ملی صنایع فولاد ایران" در خطر بیکار شدن هستند. از مبارزه کارگران ذوب شماره ۱ و خانه سازی حمایت کنید آنها بیوسید. سنگیلات های سارانی سر علیه اخراج کارگران و تعطیلی کارخانه را در اسبابانازید.

سر-مبارز! زحمتکشان تیرهای خوزستان! دو میلیون هووش ما که بسوسله سنی ها آورده اند پس سوده، حزب جمهوری اسلامی هم هزاران نفر را دارند بیکار میکند. سر علیه این توطنه بسا خیزید. توطنه های فدکارگری



اخبار کارگری

مختصری

بقیه از صفحه ۹

استندای کد در صبح ۶۰/۲/۱۵ بین کارکنان بصورت نا بعه بود و انبئی بودنش با فراشت حکم و سابقه دین خود حکم تعطیلی برای همه آنکارند.

حتم و عضا نیت هم در افراد گرفت و شروع به ناسزا گفتن به دولت و دولت گردان کردند و گفتند که آقای موسویانی رئیس مجتمع باید بیاید.

چهار نفر از افراد سابق رئیس مجتمع رفتند و با گفتند که کارکنان خوب در محوطه جمع شده اند و میخواهند که شما بیایید و روس کنیند که چرا خوب شما ره، یک را تعطیل شده اعلام نموده اند. اسان گفتند این باید دستور دولت بوده و شما سر و سواد این را به کارکنان بگویند. در مقابل با فشاری چهار نفر ابتدا بدینا ندر های مختلف است که کار را در وقتش را ندارم میخواستم از آن سدن بسیار جمع ظنر دیرو که یکی از چهار نفر گفت مکرنا این که کار شما رسیدگی به کار افراد این مجتمع است؟ خوب این هم بیگ کار است که شما مربوط مستود و با بنییمان جمع آمده و مسئله را روشن کنید. با لاجره گفت پیروید تا نییامت دیگر میاید و میوی شما چهار نفر تمهید دهید که شلوغ نخواهند شد و بجز افراد خوب یک کس دیگری در بین آنها نیستند. چهار نفر حاضر بدین تعهد نشدند و تعهد دادن را رد کردند. با لاجره آقای موسویانی قبول کردند؛ باید. آن چهار نفر به میان کارکنان رفتند و گفتند که آقای موسویانی تا نیم ساعت دیگر میاید که حد و یک ساعت طول کشید ولی از آقای موسویانی حسی نشد. بعد از یک ساعت انتظار کارکنان گفتند که همگی ما هم برویم و رئیس مجتمع را از اطافش بیرون بکنیم و محوطه را بسازیم. حال خودش بزبان حوس بیایده با بدینا بین طریق او را آورد.

هنده کارکنان به طرف ساختمان سه طبقه را دافنا دند و خود را به طبقه سوم و با طاق رئیس مجتمع رساندند و از او خواستند بیرون بیاید و با آنها صحبت کنند. رئیس مجتمع قبول نکرد. با لاجره کارکنان با زور او را وادارند آمدن. به محوطه کردند و در میان جمع قرار دادند. او افراد را بدکستن طلوات وادار کرد و سعد مطالبی را کد روی کاغذ نوشته شده بود شروع به خواندن کرد. که با یکدیگر عده ضد انقلاب شروع به نا بعه پراکنی کرده اند که ما میخواهیم در مجتمع راستندیم و افراد را بیگار کنیم. چنین چیزی دروغ است و شروع کرده شعرا زادن مرک بر با زاری مرک سر بر ما بدار، مرک سردکاران، البته یک عده از کارکنان ما هستند. همه! مرک بر صدام. و بعد ما فنه کرده ما دستور دولت چیون دوب: در منطقه حکمی است تعطیل اعلام میشود.

یکی از کارکنان گفت نما خودتان داربد مجتمع را سه تعطیل میکنند و میخواهند همه را بیگار کنند و بی شایر مرک سر بود به دار، مرک بر ما میرا بست میدهند. و یکی از کارکنان ما چشم میگفت ما شیکداریم در کارها بعد از اینست و ما را بیگار نکنید. تعداد سار کارکنان هستند، دولت بگوید ما طرفدار کارکنان هستیم

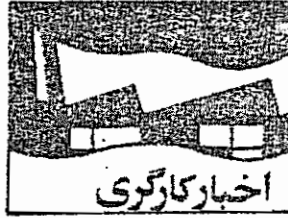
بیس کو؟ این دولت دروغ گو است. این دولت طرفدار سرمایه دار است نه کارگر. طرفدار کارگر بدهد ادکارگر میرسد ولی شما ها فدکارگر هستید. شما دشمن کارگر میباشید.

یکی دیگر از کارکنان میگفت حکومت آخوندی بهتر از این نیستند. یکی از کارکنان از موسویانی سؤال کرد آیا طرح باز خرید افراد و تعاونی کردن مجتمع را چک کسی پیشنهاد کرد. آیا این شما نبودید. و آیا نه اینست که ما طرح برای بیگار کردن ما کارکنان میباشد. محددا رئیس مجتمع شروع به تکبیر گفتن و شعار دادن کرد، که یکی از کارکنان فریاد زدند و شوالات با جواب بده، تکبیر گفتن و شعار دادن شکمزن و جده ما را سراسر شکند.

رئیس مجتمع سرش را با شین انداخت و گفت من دیگر حرفی ندارم بزم و راه استا ده که کارکنان جلوا ورا گرفتند و او را درش کردند که به سؤالاتشان جواب بدهد. اما چه جوابی داشت که بدهد. مرتب میگفت همین است که هست. دستور دولت است و محدودا گرفت دیگر حرفی ندارم، من سر و مو و او را کسی نمیتواند جلوی مرا بگیرد و راه اندازد. کارکنان جلوا ورا گرفتند که ما که با کپان بدتر کردیم در لسا بیخی می شوند و در موسویانی را گرفتند و شروع به تلبیک کردند و در اطراف جمعیت حدود ۱۵ نفر که از "گمنده" محرا "آمسده" بودند و ۳- در دست داشتند شروع به تیر اندازی هواشی در اطراف جمعیت کردند و چند نفر در موسویانی او را از میان جمعیت بطرف یک جیب که منتظرشان بودند بردند. کارکنان شروع به دادن شعار مرک بر ما میریا لبیم، مرک بر ارتجاع، مرک بر موسویانی کردند و یک عده هم سنگ بسوی او پرتاب کردند که بعضی ها میگفتند از سجه های خوب نبودند.

موسویانی فرار کرد و کارکنان خوب بطرف ماشین دیگری که آنرا "گمنده" محرا "وز-۳" بدست ها بودند حمله ور شدند و گفتند چرا شما اینجا آمدید، یکی از آنها گفت که ما تلفن زد (رئیس مجتمع) که عده ای میخواهند مرا ترور کنند، شما بیاید که در موقع سخنرانی بن برایم اتفاقی نیافتد. یعنی آقای موسویانی از فصل چنین تدارکاتی را دیده بود. بعضی از کارکنان می گفتند به طرف اساننداری راهیما شی کسیم چیون آقای موسویانی آنجا فرار کرده است و الان بر علیه ما دارد توطئه میکند. سر و ما آنجا و آقای موسویانی که ۳- بدست ها را وارد کارخانه کرده است شکا بیئت را به اسانندار کنیم، اگر چه اسانندار هم طرف اوست. یک عده دیگر مخالفت کردند و گفتند که ما فردا نما بنده انتخاب میکنیم و نما بنده کار را به اساننداری جهت روشن شدن وحل مسئله تعطیل کردن و اعتراض به عمل سر کوبیکرانه آقای موسویانی میفرستیم.

با لاجره مسئولین امور صنایع مولاده که قاطعیت کارکنان را برای جلوگیری از تعطیل مجتمع دیده بودند، حرش نداشتند و در روز این خرابکاران که خانه تعطیل میشود با اطلاع کارکنان بر ما نند. لذا اطلاعاتی که بصورت "تلنگرام" از طرف احمدزاده سرپرست صنایع و معادن صادر شده بود (مشاریح ۳۱/۲/۵۰ بین بخشها) یعنی بر تعطیلی مجتمع مولادا هواز سخا از رئیس کارکنان سه تا تلوا اطلاعات میجاسند، که از روز شنبه فقط افرادی که کار میآید که بدست آنها نیار هست، که معلوم شود چه کسانی هستند و تا گذشته بود که جهت بر ما تدریجی این تصمیم گرفته شد و شاد هبا هنگی و ما زمانه ای "مخول بر ما تدریجی است" و بعد روز جمعه ساعت ۴ ود سعدا ظنر، قتل از احبار، تلنگرام فوق از بنده در صحنه (۱)



بروند. در ضمن یک نفر در این مجمع سخنرانی میکنند و اعلام می-
کند "انجمن اسلامی" باید موقع خودش را اعلام کند که با ما کار-
گران است یا نه. در همین موقع عده ای از کارگران سدهم در
"انجمن اسلامی" میروند و شعار "این لانه، جاسوسی تعطیل باید
کرد" را می دهند.

در کمیسیون شوراها که افرادی از نمایندگان برای رفتن
به تهران انتخاب میشوند، اکثریت آنها این بار میگویند ما قبل
از این که تصمیم بگیریم چکار کنیم باید طرحی بدهیم که کارخانه
را چگونه راه بسازیم و اگر نماندیم چه تصمیمی نماندیم گرفت
که یا مخالفت شدید بقیه مواج میشویم. در حقیقت سخوی با طرح
دولت موافقت دارند و منسوخ اند علیا اعلام کنند و از طرفی وقتی
می بینند ما رزات کارگران دارد گسترش پیدا میکند قبا در
سینه جلوس را بگیرند، بحث های احرافی پیش میکنند.

مجمع عمومی در آخرین جلسه اش در هفته گذشته، اولسن
اطلاعه اش را تا در میکند و در اس اطلاعاتی از بسده های
مخوب را مدام اس است که "سنا دهها تنگی و زمانه دهی" و
کندهای واسه را میخ و حد صالح ندا سنده و رس-
میدان. اس سنا ده مطلق فرار بوده که تمام کارها را یکسند و
سام اس سنا داس که محم را دارند تعطیل میکنند.

از اتفاقا ب حال اس که یک اطلاعیه سام "گروه مراد" به
تاریخ ۶۰/۳/۶ در "ا-ج-وای-ال" بخش شد و در قسمتی از این
اعلامیه، فدکاری گفته میشود:

"ما معتقدیم تنی چند از کسانی که بعنوان نماینده؟؟؟؟
انتخاب!!؟ شده اند منقضی نیستند (تاکنون اینگونه
را نمود کرده اند) اما با بیشرانیز میدانیم که اف-
وا سنده گروهی که ی متحد در حبه، براندازی انقلاب
اسلامی (مجاهدین خلق) بیگانه- جریکهای مدائسی-
اتحادیه، کمیونسها- حزب زنجیران- رزم خونین-
سلطنت طلبان- لیبرالها- ساواکیها و... تعالانه
بسام نماینده؟؟ و غیره میدان آمده اند...."

و در آخر میگوید:

"بدانان اعلام میداریم که شما نخواهید ترانت در مقابل
سل خروشان امت بیخاسته نیام کنید و ما مدنظام نسبی
خود را با بابتان را جامه عمل بیوشانید"

گوئی که این ۱۲۰۰۰ کارگر جزء امت نیستند که یکصد و
متحد (بجز چندتن چاقا در انجمن اسلامی) میخواهند از حقوق-
تشان دفاع کنند! گوئی همه این ۱۲۰۰۰ کارگر آمریکایی
هستند!! این اطلاعیه بوسیله، یک چاقا در معروف مجمع به
اسم هادی اسپور بخش میشد که بعد خودش انکار میکرد.

در تمام مدت اجتماعات افرادی از پاداران و "انجمن
توحیدی محراب" و جاسوسان دیگر در میان کارگران وول می-
خوردند که بوسیله، بعضی کارگران قدیمی شناسایی و به کارگران
دیگر معرفی میشدند. در مسررا چهار شیر و مجمع هم سده ای
با سارو کمیته جی و حتی افراد شیربانی با لباس جمع-
استاده بودند، با ما شن یا صورت ما برکه در صورت تظاهرات
خیابانی جلوگیری کنند.

در حال حاضر نمایندگان منتخب براراست به تهران میروند
و ب مسئول امور صحبت کنند. کارگران همه کارها را با نشان
خواهند رفت و مبارزه را ادامه دارد.

مختصری...

سینه از صفحه ۱۰
راديو خوانده شد. از منظر سوشیا هم خواسته شد که کارگران را سه
کارخانه نرسند و به خود بیبی سوشیا هم ساری نیست، بعد اس
آنها تسویه حساب بشود.

روز شنبه ۶۰/۳/۲ کارگران که خانه هاستان در تهر جیای
اطراف اس بر میگردند و با نشی های کرابه و ساده سکار-
خانه میروند. یعنی سوشیا هم سکو سدا محاسی هم سده ما را
میرم. خلاصه کارگران کارکهای مختلف سدا کارخانه میروند و
بدا اطلاع احساسی میدهند. اس سولس حوی سواد. کارگران
درهای کارخانه را با رگر سده و در کارکها اجتمع کردند.

در احرافی به منطی روز سدا رصص "ا-ج-وای-ال"
مربوط سدا سرویلر اس سنا نشی شروع میشود طرف "گور"
یکی از تصمیمی دیگر مجمع میروند. سبب طرف اس احتصان
برکری صص ادار میروند. که برار سکا در تهر روز در مجمع
جمع شود.

بکشید ۶۰/۳/۳! براد سوا اطلاعیه ای خوانده میشود که
کارکنان برای کرسی حقوق اردیبهشت از تاریخ ۱۰ خرداد به
بعد مراجعه کنید. همان روز (بکشید) کارگران که به مجمع
رفته بودند در اطراف ماسان به طنخ (قسمت اداری) تجمع

کرده، در همین اس حدود ۹ هزار کارگر "مانا" قسمت ساختمانی
مجمع با شعار "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد" و تعطیلی
مجمع نوطه آمریکا سبب سده کارگران ملحق شدند. از
اتفاقات این روز اس سده که شعارهای متفاوتی میدهند که
"مرک بر جاشی"، "مرک بریشنی" داده میشود و ضمنا شعار
احرافی "تعطیلی مجمع، نوطه، بسج اس هم داده میشود.

در همین حین یک نفرینا مفرکه بد "مفرتوده ای" معروف است
میروند که بلند کورا بکورد و از رجاشی دفاع کند. کارگری از اسن
کارمانعت میکنند که در کسری میروند. چند نفر به مفرتوده ای
حمله میکنند، شعار مرک برتوده ای داده میشود و مفرتوده ای
جسد بر از میان تجمع فراری میدهند. شعارهای مرک بر "سواد
کریبی" داده میشود چرا که روز جمع "نواد کریبی" از راديو هوار
بر فدکار کارگران سخنرانی کرده بود و آنها را صدا انقلاب خوانده بود.
بکشید کارگاه "لورکی" نمایندگان شورا پیش را انتخاب میکند
تا قبل از آن "مانا" ساختمانی، خوب شعارها و ناشن سازی
نمایندگان شورا ایشان را انتخاب کرده بودند. قرار شده بود تمام
فمنشیا شوراها ایشان را انتخاب کنند.

سند کمیسیون شوراها را انتخاب کردند. یکی از بحث های
رایج که بیشتر شده اینجا و کرسیتیه! اس رسد این سوده که همه
سرویم تهران "حصاران" که افراد آگاه در مساز جویابین محبت را
تر نیست. سنا سدا کار خوب سنا رده ۱ گذنلا تهران رسد سده
میگفتند ما که به تهران رفتیم چکار کردیم که سنا سوا هدر رسد.
در اجتماع روز سده سده سنا که کارگران بودند در حقیقت مجمع
عمومی کارگران بود، فرار سده عده ای از نمایندگان به تهران



درس‌هایی از اعتصاب پارس الکتریک

اراد و احرام سال گذشته تا کنون ، موج اعتصابات کارگری برای دریافت بحثی از دستمزد ، زیرنا مودویزه ، هنوز ادامه دارد . سرشعبین و اعتصاب شکنان مزدور توده ای و اکثریتی ، برای مقابله با این اعتصابات ، در هر جا سایر میسران همبستگی ، پشتکار ، نظم و انضباط ، و ادامه مقاومت کارگران ، سیاست خاصی را در پیش میگیرند . آنها طایفه سنت دستکیشان را بنا علیت اعتصاب را به توطئه های مداخله ایون و خرابکاری عوامل ستون پنجم نسبت میدهند . اگر این برجسب زنی کاری شد ، شروع میکنند به خط و نشان کشیدن و اسباب تفرقه در مصون کارگران . اگر این نچیدید اب و خرابکارها هم بیزنخسد و کارگران سلورسگیا رچند مناست ادا مدها داد ، برنجیب با تسلیم منوندوا به سرکوب مستقیم میبردند . تا کسوت تحریکسان داده که در صورت مراعات نکردن بک رشتدا اصول و دست آوردها ، ادا مدهو فست اعتصاب با مشکلات فراوانی روبرو خواهد شد و چه بسا اعتصاب با شکست روبرو شود . ما در اینجا به شرح واقعه یک اعتصاب و درسیهایی از آن میپردازیم . کارگران پارس الکتریک در قسمتهای ویدیبا ، قطعات و بخاری از صبح روز دوشنبه ۶۵/۲/۲۱ با درخواستی مشخص که عبارت بودند از :

- ۱ - پرداخت ۲۵ روز مودویزه ،
- ۲ - اضافه دستمزد سالانه برابر محاسبه میزان تورم و کرائی

دست برد اعتصاب زدند . از همان ابتدا عدم تحرک لازم در میان کارگران و فقدان یک رهبری وارد ، منطقی ، و فعال بچشم می خورد . مسلما مفهوم اعتصاب این نیست که فقط دست از کار بکشیم و سبب هریک کوشدای رفته و میارزه و وقت را به دیگران واگذار کنیم . در طول اعتصابات دشمن و خائنین به طبقه کارگر مرتب دسبده و توطئه می چینند . برای حفظ وحدت و ادامه مبارزه کارگران بخصوص کارگران پیشرو میباشد تا اتم سر علیه این دسبدها و توطئه ها مبارزه و برخواستند و آنها را خنثی نمایند . بی تک کارگران بحالت سطح آکا هی مختلفشان ، هریک با برداشت و درک خاصی پا به میدان مقاومت میگذارند . وظیفه کارگران پیشرو ارتقاء و هم آهنگ کردن این آکا هیست . هر اعتصاب باستی پشتوانه قوی از آکا هی داشته باشد تا ضمن ثابت کردن حقانیتش قادر باشد در مقابل حمله ، یورش و دسبدها ارنجاج به مقاومت برخیزد . در نتیجه پس از شروع اعتصاب باستی داشتند به کارگری و کار فوضیحی و تبلیغی زد . باید بدستیا و تبادل نظرات دان من زدوا مروزه مخصوص جیره و وانسی توده اپنا ، اکثریتها و دیگر سرجیبی را در عمل نشان داد .

از این جوهرک و آرایس ساختار در این اعتصاب حسری سود . کارگران پیشرو و سوسی کار در زمان شروع کارگران درسگ کوندسگ رحدن با اکثریتیها منقول بودند . اعتصاب مسودون رهبری ، بدون سحتو و مدافع و بدون یک آکا هی منطقی و منسق شروع شده و ادا مدها دست . دریا بان روراول اعتصاب با استکار و بیسیه دحدنگار رگر پیشرو ، کارگران جلسه عمومی تشکیل داده و در مورد بگد ، چما سگ کرد ؟ و چگونه باستی سساره را

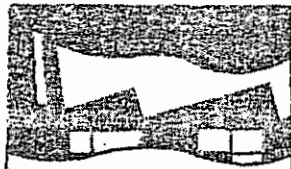
ادا مدها داد ؟ به بحث و گفتگو نشستند . این بحث و گفتگوی عمومی ، اولین نتیجه مثبت خود را بصورت تشکیل یک کمیته موقت اعتصاب و تعیین وظایف آن نشان داد . معمولا وظایف یک چنین کمیته‌هایی عبارتست از :

- ۱ - جمع آوری نظرات کارگران و دادن برنامه مشخص برای چگونگی ادامه مبارزه .
- ۲ - بدکمک تمامی کارگران ، تقسیم کار و ایجاد نظم و برنامه های متنوع در طول اعتصاب که بیدرست آکا هی کارگران کمک کند .
- ۳ - هم آهنگ نمودن و ایجاد ارتباط ما بین قسمتهای مختلفی که اعتصاب در آنها ادا مدها دارد .
- ۴ - برپائی جلسات عمومی بطور مرتب گزارش دهی پیشرفت کارها و کسب نظرو تکلیف از دیگران برای رفع موانع و مشکلاتیکه معمولا پیش میاید .
- ۵ - سخنگو و مدافع کارگران در مقابل کارفرماها و دولت . اهمیت این وظایف ، ضرورت دفت در انتخاب اعفاء کمیته موقت اعتصاب را نشان میدهد . معمولا باستی ، آکا هترین ، پیشروترین ، خوش سابقه ترین و جوسرترین کارگران را بعنوان نماینده انتخاب نمود .

انتخاب کمیته موقت در پارس الکتریک شعبه کرج گام مثبتی به جلو بود . روز دوشنبه ۶۵/۲/۲۲ اعتصاب کماکان ادامه داشت . کمیته موقت اعتصاب اولین قدم برای هم آهنگ نمودن اعتصاب کارگران تهران و کرج را برداشت و عاقبت موفق شد پس از مشکلات فراوان به تهران رفته و ضمن تماس با قسمتهای قطعات و تونسا ، حمایت و همراهی آنها را با همان خواستهها برای ادامه اعتصاب جلب نماید . در کرج شورای قلبی و ضد کارگری در عمل ماهیت خود را نشان میدهد . این شورا ضمن انتشار بخشها مه ایگه در آن اعتصاب به فدا انقلاب و گروههای فدا نقلایی نسبت داده شده بود ، به کارگران اخطار میکنند با بدس کارها زگردند و با در صورت ادامه اعتصاب با سه نوع واکنش بدس شرح زیر روبرو خواهد شد :

- ۱ - کم کردن حقوق کارگران اعتصابی و اخطار اول .
- ۲ - اخطار رکتسی .
- ۳ - اخراج و معرفی به مسئولین .

این بحثها همه همانگونه که انتظار میرفت بخواهی ترساندن کارگران ، خشم و نفرت و اعتراض همه کارگران را برانگیخت و باعث فداکاری شورای قلبی تحمیلی را آشکار ساخت . روز چهارشنبه ۶۵/۲/۲۳ اعتصاب همچنان ادامه داشت . شورای قلبی که به سی اثر نمودن تهدیداتش پی برده بود با دو چهره و با دو سیاست شناوت بدستالبت فدکارگری خود ادا مدها داد . هر از چند خود را حامی ، مدافع ، و دلسوز کارگران نشان مدها در مواقعی هم جمائی نهادند و سرکوب را بدستیا بکنند . توده اپنسا و اکثریتیها هم طبق سیاست همیشگی شان روش دورونی و کج دار و بریز را بینه مکردند و مخصوصا اصرار داشتند تا اعتصاب خود حوی کارگران را کد علیتت احضار و



اخبار کارگری

اعتصاب بیش از ۴۰۰۰ کارگر کوره پزخانه (مرودشت، گوشت، رشمیجان، باقر آباد)

کارفرما درگرمی شوند. واکثرا کار را اعتصاب میکنند در تمام کوره های این منطقه بخاطر کوره خوردن اس تضاد در این موضع از سال است که موج اعتصاب کوره ها را فرا بگیرد. کارگران عمدتاً ساجرا مزایش دستمزد و دشواری شرایط کار دست اعتصاب میزنند. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ سزا اعتصابی در کوره ها روی داد. اعتصابگران و در رأس آنان حش زینباجا طر افزایش دستمزد دست از کار کشیدند و در آخر کوره ها را مجبور شده قبول خواسته های آنان کردند. امسال (۱۳۶۰) اعتصاب از دهم اردیبهشت از کوره های گوشت آغاز شد و در عرض یکی دو روز تمام کوره ها را فرا گرفت. اسلخه رخلات سال گذشته کارگران ارا سی و انسانی محدودت ارا کار کردند. خواسته های اعتصابی انزاس دستمزد حش زمان به ده تومان و حیا و ادا را سه ده تومان بود. کارگران خصوصاً اعتصابی ها بر لروم حش همگسی سان خود و کارگران ارا سی با تاروی سکروند. یکی از اعتصابی ها سکف خدایکی کارگر هم یکی. با نام برمی داریم دیگری سکف اکرید افغانسان برود روسی ها ما را کناری می کنند اسلخه هم گذشتگی فادس کسی از مرگ ندارد. سوده ای های خاش و سوجه های اکثریتی آنها کما سنده حوای سده انیا می توانند بدهند. حش میگویند اینها عوام مل آمریکا هستند که در ایران خرابکاری میکنند و ما تا بدهم عوام مل فئودالها. آنها همچنین به کارگران ایرانی میگویند از گرسنگی بسیرید سیرا سب بد دولت را تاضیف کرد. این خاشی بد شفته کارگر کما هستند که زرم مشترک کارگران ایرانی و افغانی را میکنند. براسی سارزه طبعانی از هر مزد دیگری سدها ن یا وه کسوی آسبا خوا هد کوسد.

به صورت در کوره های حاجی عزیز جی ساه طمراس، حشرو، سد، بهمن، حاجی سرفراز، سید آقا، کل نام، قلندر، جان سانا، حبیب، گل غلام، و دهها کوره دیگر این اتحاد وجود داشت. نکته قابل توجه در این اعتصاب حمایت روستا های اطراف که سالیان سال در زیر جور و ستم مالکان و فئودالها قرار داده شده و از این اعتصاب بود. روستا ثیمان میکنند که کارگران باید حق خود را از کوره دارها و دولت بگیرند آنها عمر و هستی خود را در این کوره ها از دست میدهند. در حالیکه خود قادر به خوردن آجر برای ساختن یک کلیه نیستند. اگر چه این حمایت صورت رسمی اعلام شد ولی بیانی صحت هر کدام مشان بی نستی حش حرفها را میزد. بهر حال ختم کارگران به حدی بود که بعضی از کوره دارها حش آمدن به کوره را سد شدند. کوره دارها به جنب و جوش افتادند. ساعانیا و ارگانهای دولتی چیزی نکوسند که جلوا اعتصاب را گرفته و ما جدا مکان آن را سر کوب کنند. ساعانیه اعتصابی اعتصابی ۶ کوره سنام طمیسر به حرم حلالگری توسط ساه برود دستمزد و اطلاعاتی از سرنسود نشن در دست نیست. ساعانیک هفته مقاومت اعتصابگران کوره دارها مجبور به قبول خواسته های کارگران شده و کارگران سدر کار را زکشتند. (حش زنان به خشت هزار می بندوبان و چپار و ادا ره راری ده تومان

کاخای سرما به داران، نصرهای فئودالها، عمارت های آنحالی اسنارگران ارجد سنا سنده؟ آما مگر چیزی سحسز گوشت و حش و بیوس ورک وهنی کارگران است. سلسا در حوائع طبقاتی اسنن اسب، نصرهای آنان، کاخای بنان براسستی سوی خون میدهد. سوی خون زحمتکار.

کوره پزخانه ساجرا اینکه همیشه دورا زینرها سنا میتودا کثر مردم اطلاعاتی اروضعت زندگی و کار در آن ندارند. سیره گسی از کارگران کوره دورا زاسنظا رویتند سنا صورت مگر در و آنان در شرایط قرون وسطایی در کوره ها سبر سبرند. کوره های موسوم سنا فز آباد، کوک، سمنان در سانی س طون م کلسوسو در کلسوسری برودس (سراف) واقع شده اند. در حدود ۱۰۰ کوره در این منطقه وجود دارد. کارگران این کوره ها عمدتاً در دهات اطراف و سزارا سانی های ساگر ارا س سده اند. کوره ساجرا سده مراحل زیر سغه سسود: ۱. کل سسور، ۲. چسزوی، ۳. پاجها رو ادا، ۴. سحس، ۵. آسورن، ۶. با جراحی، ۷. سلفظ جمع کن، حش روسی رل اسانی در کوره دارا کرحش رسها کارکنند سغه سسجهای کوره سساز کار ساری سانسند. چها رو ادا رخنسهای آماده را برای حش در کوره سدور آن سآورد. این عمل با اسلاج یا با جرح دستی انجام میشود. کودکان حرد سال بیشتر در این سست کار میکنند. اکثریت حش زینها را افغانی ها تشکیل میدهند. شرایط دشوار کار و کرمای طافت سرای کوره کارگران را سبیری زودرس دحار میکنند. آنان اغلب به مراسم کونا کون کوارسی، سسعی، درد مقابل وغیره مبتلا هستند. از کودکان ۱۲ - ۱۰ ساله تا پسر مردهای ۶ ساله به عسر انسانی ترین شکل ممکن در این کوره ها اسنمار میسود. سسهای همگی زحسبای سسفی دارد که ساشی اسناس سسغیم به خست است. سانات کار در کوره تا سح ساعده و سانون مشغلی نیست. محل زندگی کارگران اطاف ساشی در محاورت کوره که دسحدای سمرورناریک و سبازا انواع حشرات گزنده است سبباند. از آب لونه کشی، توالت، حمام حش نیست. کارگران خصوصاً افغانی ها اغلب در جویای اطراف استحمام میکنند. در یکی دو کوره دیده سده که از همان جویها سسرای آب آما میدسی کارگران در هنگام کار اسفا ده میکرده اند...

کارگران ایرانی کوره پزخانه ها همگی از دهات اطراف هستند. آنها در واقع توسط کوره دار خریده میشوند. حربسان سادایی ترتیب اسد که در زستان گذر سنا ثیمان با سنا سسط و خیمه سنا دی روروه سسند. کوره دار سدها ت رفته و مقدا رسنا - جبری بول س آنها سدا سطلاح قرض میدهد و در عوض آنها را مجبور میکند که در مدت فصل کار که سرفیبا ارا سائل ضرور دیس سا او سس سنا سسرا سدر کوره کارکنند. اس سنا سون تا مل کودکان خرد سار سسر میگردند. ساسسبورت که چون سدر خا سوا ده سنا سایی کسار در کوره دارا رد مجبور اسد کودکان خود را برای ادای قرض به کوره سسرسند. کارفرما ها ارا س شرایط استثناء ند کرده و مرده مسورده دلخواه خود را سسب میکند. (البته سدا از شروع دوما در کارا در اس موضع است که کارگران در هنگام سسب سون سسیر سسنا



اعتصاب...

بقده از صفحه ۱۳

کدام خواسته‌ها یکن بود در اثر این اعتصاب دست پیدا کردند (در مورد این کوره‌پزخانه‌ها باید گفت ، وضعیت سندانز انقلاب هیچکوه تنبیری نگرده است . خودکامکان نازده قدرت رسیده که این همه دروغ دم از مستضعفین میزنند هیچکوه توجیبی بد کوره‌پزخانه‌ها ندارند . انتظاری غیر از این هم از آنها نداریم و بر اساسی که سرکوب مبارزات بحق کارگران و زحمتکشان و نیروهای اسلایی ، حیات در حاک ملی و سیاسی - خودسرو - حتی و آزادی کشی در سر لوجه برنا مدعی آنان سرار دارد . در جمعی از ای بار با کارگران کوره‌سزا سفوان سه و برکی آن اشاره کرد . یکی هستکی کارگران ایرانی و اصعایی و بی بردن به مانع سرکنان و دیگر اینکده هقانان ارا این صا ارد حمايت و پشتیبانی میگردند .

سپه شده توسط " باران دهقانان انقلابی فارس " در سر حقیقی از اعلامیه " باران دهقانان انقلابی فارس " که به مناسبت این مبارزات منتشر شده است را می آوریم :

از اعتصاب بحق کارگران کوره پزخانه‌ها پشتیبانی کنیم

کنیم

مردم زحمتکش

اعتصاب کارگران کوره در خیلی از کوره‌های اطراف رتمیخان - کوشک و کوره‌های باقرآباد دیراه افتاده است . قضیه از این فرار است که در هفته گذشته کارگران جارسا کوره‌های باقرآباد ما نند کوره‌های حاج صمد کوره‌جاتی و کوره سفندسار و دیگر کوره‌ها دست به اعتصاب زدند و خواهان ادامه دستمزد از هزاری ۴۰ تومان به هزاری ۵۰ تومان شدند . بعد از اعتصاب جارسا ربا حثت زنها در خیلی کوره‌ها ما نند کوره علی شیرین رتمیخان و کوشک به اعتصاب دست زدند و خواهان خشت زدن از هزاری ۸۰ تومان به هزاری صدتومان شدند . و در این هفته اغلب کوره‌های اطراف کوشک و رتمیخان در اعتصاب کامل بسر کردند .

مردم زحمتکش

دهقانان و حوش نسان زحمتکش ایرانی و کارگران زحمتکش ایرانی مندر زحمتکشان دیگر کوره‌ها نند انفاستان هستند . دست به دست در حثت و استقامت رهنگی زحمتکشان را بهم بریدگ و برادر کرده است . سبب دست آمریکا شتی و سحا و سحا ک و ض کدی جندیان است جندرا رهوظان را آواره کرده آنهمونی که کل مملکت ایران نواسته لنگر کند . روسه جابنگارکد

خود زطالمان دساست لنگر مجهز خود را به انفاستان رخنه و تمام انفاستان را اشغال کرده است و روران به هزاران سسراز مزه م غورا انفا نسان را با سم به کسن مدهد . آس غلب آوارگی اصعایی هاست و کوره هسکس حا مره سرکانه و وطن

در این اعتصاب کارگران کوره‌ها برای و اصعایی برای گرفتن حق خود از کوره‌ها رهای استننا رگوسا هم برادر و محسد هستند و سبب بدیدگار نند کد کوره‌ها رها کس دیگرس آنیا احسلاف سه دا ز در بر اکرانجا دسبا ندا اعتصاب سکت مسجوردوندا صا سه دستمزدی به ایرانسان و نده انفا نسی هاسر سد و فقط کوره‌ها رها سرور میسود ، استننا ریشتری میسکند .

مردم زحمتکش و آگاه ما بدان این اعتصاب کارگران کوره‌ها پشتیبانی کنند و کارگران کوره برای خواسته‌های زیر اصرار و مبارزه میکنند :

- * هزاری ۱۰۰ تومان برای خشت زن (و دهس سست دستمزد برای حاربدار ، کل ریز و حثت جین) حدانسل دستمزد است که تا ندر ا حثت شود .
- * انفا دسسی کارگران اصعایی ایرانی و افغانی برای بدست آوردن خواسته‌ها یکن از کوره‌ها رها .
- * رعایت بهداشت کارگران کوره‌ها که هم وجه از طرف کوره‌ها رها رعایت نسنود ما نند : ایجاد حمام در محل کوره ، توالت ، ساخشی اتاقهای مناسب و قابل زندگی برای کارگرایی که شب در کوره می مانند
- * بیمه شدن کلیه کارگران کوره (خیلی از کارگران در کارخانه‌ها بیمه هستند ولی با وجود مرض و سختی کار کوره که توان کار زحمتکش را میگیرد هنوز کوره‌ها رها با وجود بول فراوانی که از دسترج کارگران بدست میا ورسد زبر ما ر بیمه کردن کارگران کوره نرفتنه اند)
- * ایجاد شورا از کارگران کوره . هر کوره شما یکنکان خود را انتخاب کنند و ا سجا دستور اکندا ستواند مدعی کارگران کوش کوره‌ها رها برساند و از حق کارگر دفاع کند . زیرا بدون نما بنده کارگران و شورا های کارگران و پشتیبانی کارگران از شورای خود کارگران وحدت نظر پیدا نمیکنند و کسی نیست که سخت و سخت دنبال خواسته‌های کارگران برود . مثلا از طریق این شورا کارگران باید به فروش آجر نظارت کنند تا کوره‌ها رها نتوانند به هر قیمت خیلی بالا به ملت آجر بفروشند و این خودش کمکی است به کسانی که آجر میخرند .

از خواسته‌های کارگران اعتصابی کوره‌ها دفاع و پشتیبانی کنیم !
" باران دهقانان انقلابی فارس "
۱۵ اردیبهشت ۴۰

حقیقت

از کتان

اتحادیه کمونیست ایران را بخوانید



اعتصاب پیروزمندانانه کارگران مینی

موضوع را با سکوت برگزارد کرد. روشن است از اول وقت همه کارگران شروع میکنند اما بین خوددمحت و مشورت کردن. عاقبت تصمیم بر این گرفته میشود که اعتصاب آغاز گردد. اعتصاب تقریباً در همه قسمتها شروع میشود (فقط در دو قسمت شکلات و آدامس اعتصاب صورت ناکم گرفت. حتماً با درمیان و توسط شد. چیزی اکثریاتیها وتوده ایها وجود نداشت.)

حدود ساعت ۱۱ صبح، احدی، مدیر عامل شرکت و عضو هیئت مدیره شروع میکنند به سرکشی کردن به قسمتهای مختلف. در این رشت و آنجا، وی سعی میکند کارگران را صحت و همدردی کند. کارگران همسوسه خودافناگری میکنند و میکنند. رنودر کردن در سرپرستی قاسمی و مجاز است ولی برداخت جان کارگران را سوسی است؟

کارگران برای بیان دادن اعتصاب خواهان اطلاعات کنسی بودند تا دقیقاً مواعید برداخت ۱۵ روز سود در آن مشخص شود. عاقبت چند دقیقه به آخروقت شبعت کارمانده، اطلاعاتی از سوی هیئت مدیره بخش شده و مقرر شد صادل ۱۵ روز حقوق کارگران در روز ۲۶ اردیبهشت برداخت گردد. اگر چه قبل از ۲۶ اردیبهشت تا بعدها شی وجود است چینی سرانگه این پول رانحوا هستند برداخت ولی اتحاد و همبستگی می مانند کارگران ساعت شدنا مرتجعین در مقابل این خواست بحق کارگران تسلیم شوند.

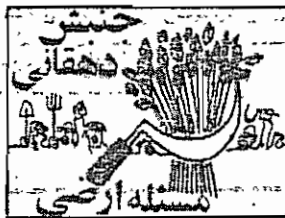
دزدی شاخ و دمندان در سیاست ضد کارگری داشتن ما فریب کاری و ظواهری بسیار میماند. ما و دیگران بارها ثابت کرده و نشان داده ایم که سوز و بزدستی از دستخوردنا چیز کارگران است و با سستی تمام آن سی کمروکاست برداخت نمود. کارگران هم دقیقاً این موضوع را تمیذ کنند و نسبتاً هر جا با زیر و حق کشی روبرو شوند، نسبت به اعتصاب و اعتراض رده اندوسرینند. عامل این اعتصابات چه کسی میباشد؟ ما و دیگران سوزهای انقلابی میگیریم، روسی کنار رفته مری سرما به درازان لالال مشقت و ایستاد، و واسطه ها و عمده دروسنا ۱۲۰ میلیاردر تومان تفسیح برده اند خودیا سیاستها و عمل کردها پیش، که از ما هیئت وابسته و مسیبتش ناشی میشود با عدا این وضع اصحاب اقتصاد دی بوده و اعتصاب را برز همتگنان تحمیل میکنند. ثوده ایها و اکثریتیها هم و عموماً جل حزب جمهوری میگویند، صدا انقلابی، ستون پنجم و تا شریستی با عدا اعتصاب می شود. اینجا دیگر تقاضاوت با کارگران اعتصابی است که میباید اندوسرینند ارتجائی و خاشن چسه کسانی هستند و حایان و بنسبانیان کارگران چه میگرد.

مرتجعین، ظاهراً زو مردم فریب در سخی از لایحه سود و سوز، تحویب کرده بودند که اگر کارخانهای تولیدی نسبت به سال ۳۷ سبتر باشد، نسبت به درمندا فانه تولید را تا ۲۰ روز سود و سوزده کارگران تعلق خواهد گرفت. ولی این حایبانیان مستکبرین حتی به همین قرار و بیما نشان همای بند نیستند. در اکثر کارخانجات، بلاغ آمار سران سریند و منافسه آن با سال ۳۷ صورت نمیکرد. گروه صنعتی مسوسکی از نمونه هاست. در ابتدا هیئت مدیره ادعا میکرد که تولید آن کمتر از سال ۳۷ است. ولی وقتی ما اعتراض شدت کارگران روبرو شد، آجبارانه وزارت کار ریاس دادند. وزارت کار و حداقل هیئت مدیره را تکوار کرد ولی بعد در اروپا نظاری کارگران از خود طلب مستوی لیت کرده و منتظر اختلاف کارگران و هیئت مدیره قلمداد می کنند! سلطه شدادعای اولدوز وزارت کار بر چه اساسی بود و سلب مسئولیت بعدیش بد چه ملیت!

کارگران عاقبت خودشان آشنیها را با اداره و سرکار سرورن کنند آمار و ارقام و منافسه میزان تولید ۳۷ و ۳۹ بسند این نتیجه رسیدند که تا سنی حدود ۱۵ روز سود به آنها سلب میگرد. هیئت مدیره زیر بار این سبجگیری سبیرت. روز سه شنبه اردیبهشت بعضی ارباب لیبای کارخانه در اعتراضی پدی -- شوجهی هیئت مدیره، سرگردانی کارگران، و بیلا تکلیفی، کار را خوابانند. وقتی جواب حرف ضاحایب و زوربیا اعتصاب داده شد، هیئت مدیره به هوش آمده اعلام جلسه ای را برای روز چهار شنبه نموده تا به اختلافات رسیدگی شود. کارگران مهلتی بسوا هیئت مدیره تعیین کردند. آخرین روز مهلت شنبه ۱۲ اردیبهشت بود. کارگران به اطلاع هیئت مدیره و ما نمیدانند که در صورت روشن نکردن تکلیف (پد در حقیقت در صورت عدم قبول برداخت ۱۵ روز سود) از روز شنبه ۱۳ اردیبهشت دست از کار و خواب خواهند کشید. اینس قرار مورد توافق شما می نمیدگان و کارگران قسمتها تراسرار میگردد. هیئت مدیره تا روز شنبه بعضی جواب لاهی به سگ...

کمکهای مالی دریافت شده

محل	مبلغ	کد	نام
آمل	۵۰۰۰		م - ح
آمل	۵۰۰۰	۱۱	عادل
			بک کوبین سی لیتری
آمل	۴۰۰۰		رفقای هوادار
تهران	۲۶۰۰		غم زاننده
تهران	۸۰۰		باش (را شده)
تهران	۴۰۰۰	۲۰	چالغ
"	۲۰۰۰	۳۷	ف - ک
"	۴۰۰۰		جنرالی کارگر
"	۱۰۰۰		رفیق کارگر الف - ج
"	۱۰۰۰		س - الف
"	۱۰۰۰		ج - س (سویا زوظف)
تهران	۱۰۰	۲۱	الف - م
"	۱۵۰	۲۵	الف - ر
"	۴۵۰۰		م - ی
"	۱۱۵۰۰	۸۸	م - ا
"	۵۰۰۰۰		ز - الف
"	۲۰۰۰۰		حقوق ما هانده بک مادر ۱۲۳
"	۵۰۰۰		ن - حیات
"	۵۰۰۰		الف - خط
تهران	۲۵۰۰		رفیق هوادار ی - ی
تهران	۱۲۰۰		ب - الف
تهران	۱۰۰۰	۳۰	ج -
تهران	۱۰۰۰		ب - د
تهران	۲۰۰۰		ا - ی
تهران	۲۰۰۰		رفقای هوادار از سبهار د کوبین سی لیتری سوزا و سانی
تهران	۲۰۰۰		سوزا و سانی از خط اول
تهران	۲۰۰۰		حیثیت سوزا و سانی



آقای بهشتی:

مدافع بزرگ مالکان!

میکرفت. در جریان انقلاب این شخص از ایران فراری ننمود و دنیا را فراروی زارعین زمینهای خودمان را که توسط این فرد غصب شده بود تما حد کردید و به کت کتندم بر روی آن پرداخته‌اند. افسال در حالی که خوشه‌های کتندم بسیار رسیده بودند و دهنها نشان با هزارا صد و آرزو در انتظار برده است آنها بودند. سروکل... ارباب برای صاحب مخدمه زمینها پیدا شدنم با دستی "سرو" پشته‌های "استوار". این پشته‌ها "استوار". نامهای جمهوری مبرو و آقای رئیس‌جمهور استالی کورانت الله دکتروند محمد بهشتی در مالکیت خود که حق مالکیت هوست خان ساواکی را بر حسب ساحه بود. در حال حاضر سعادت رادی در هفتاد سال این روسا صاحب مالکیت فارسی! آن خان بحرم سد خاک ساه سعادت. از اسخاروی سعودی سوسی کدهیسی ها و سرکاش بدوس و بصورت واران حیات کند. حرفا سوسی در حد اعلیٰ اکل و منحوار دست. با ندکه برده‌های غرب و تزویر و املا ر دوحیره، واقعی این سالوسان رباکاران هو ساداحت. هر چند انسان داریم که خورشید حقیقت برای همه زبرای بانی نخواهد آمدند و ندونما شده است.

حاجت رهبران حزب جمهوری اسلامی از مالکیت فتودالی ارضی را با بکرات در "حقیقت" نشان داده‌ام. این باطبق گزارش رسیده ارهمن، آقای بهشتی دسیرکل حزب جمهوری اسلامی بد حمانا بزرگ مالک فراری (صاحب ۱۵ روستا) سرچاسه و از حقوق مالکیت ارضی وی دفاع نموده است. آقای سوسی و سایر دستیاران ایشان که بر سر مالکیت روستایی تاکید دارند، سایر مالکیت ارضی ایشان با مناسب فتودالی و با فصل سرما به داری در حاضره با سعادت. بلکه ازان سعادت سود و بران سوار سوزند. گزارش محض بر سر سودهای اسارا اسکندر و روان فتودال کویسی با سوسی آقای سوسی، علم عم سلطان فتودالی ارور و سادان. حکومت در حدیست بزرگ مالکی ترا کرده است.

روح و امید بینیم است که فصل از انقلاب مالک بزرگی سنا م هوست خان در اطراف همدان صاحب حدود ۱۵ روستا بود. او خود سن ساواکی و زمین آمریکا بی بود و ما سنا به حدود ۶ هزار تومان از بیت المال حقوق آمریکا بی بود و جاسوسی را

توطئه فتودال های فارس برای جلوگیری از تقسیم زمین و با جلب موافقت روحانیت بزرگ

با فرارسیدن فصل کشت مزارات دهقانی اوج شماره ای خود میگردد. سنا بزرگیان ت کشتند (توطئه مالکی از کور و مزارات دهقانی از دیکرو) چنین بنظر میرسد که امال این مسئله بر سرانجام قطعی خود نزدیک و نزدیکتر میشود.

بعدا ز مصادره زمینهای مالکین بوسیله دهقانان فارس و در اختیار گرفتن زمینها، فتودالها و ملاکین فارس برای سرکوب زارعین به دست و پا افتادند. در آغازه عکس العمل منقاه بل در مقابل جنبش دهقانی، یعنی به درگیر شدن مستقیم و در درو با دهقانان متول شدند. آنها اقدام به رعب و وحشت در میان دهقانان از قبیل آتش زدن مزارع و غیره نمودند. و باز چون به منظور رسیدن متوسل به مذهب و ترع اسلام شدند.

فتودال ها با آوردن فتوا از طرف مراجع تقلید مسی برای تکه " مصادره اموال نصبات " و " نررندنا حلت و حرام مزاده بیا رسا ورد " و اینکه این شیوه کار کمونیستها سنا شد دست تبلیغات وسیع زدند. آنان بیچاره را فتودالهای ایران اظها بنظرها و سناها را بصورت کتابی منتشر نمودند. آیت الله مخلانی سردر فارس در این مورد فتوا داد. ولی مالکین فتودال بهای سبز فاض نکشته، چون کماکان دهقانان زمین را در اختیار دارند و مزارات خود را ادامه میدهند، همین موضوع مالکین و فتودالها را بران داشت که مقول خودشان " بانسنگ رعیت ارباب بدن را پاک کنند و یا شهید شوند." بهمین منظور

احیرا شورای کشا ورزی فارس با سهر است سکوشیم شورای ملاکین و فتودالها عرضها مدهای متعددی بیر کردند. بدین عنوان که چگونه مثنی بی سرو پا بنا چرعیت و خوش نتین در امر کشا ورزی اخلال کرده‌ان با سدبخت بیچاره‌ها را آجر نموده‌اند. در آخر شورای فوق سه اسنار لغو هر چند رود ترسند " چ کشته‌اند والا در غیرا بصورت اترخدا ی نا کرده خونی بزمن ریخته شده ولت و مقاب کثوری مسئول خوا شد نمود. السند سنا پندگان نشان سنا سهر اراه این عریضه تم و تهرار و شهید فر کرده اند تا هم کسنا و هم تقاها احطرا آخر خود را با روحانیت بزرگ و وابسته به ایشان مطرح نموده و تصمیم برتاری بگیرند. این سفرها آنچنان که از آن مشهود است با برنا مهریزی قبلی بوده چون شورا های کشاورزی سرتا سرملکت با هم بوده اند و جلسات متعددی نیز داشته‌اند.

سفراین شورا (شورای کشا ورزی فارس) از ۱۰ اسفند ماه شروع شد. ابتدا به قم رفتند. در این شهر نزد آیت الله شریعت مداری رفته بودند که وی پاسخ داده بودند که فتوا از دستش کاری نمی‌آید چون هما نظوری که خزنده در رژیم شاه آدمیای وی را می‌کشته خمینی نیز با سنا رهایش را میفرمده تا آدمهایش را بکشند. آیت الله گلپایگانی نیز گفته بود که این مصادره‌ها و تقسیم اراضی غلط است و کمونیستی و سنا بر با اسلام. وی خواسته بود تا اعضاء شورا نزد مستظری بیرون دکدا و آنها را بد حضور بنیاد بر فرستاده بود. بعد از این سنا نهران نزد آذری قعی و پس بد مجلس شورای اسلامی رفته بودند تا سنا بدگان مجلس صحت کرده و " دادخواهی " کنند. کوما سخا طرحیانات ۱۴ اسفند و تلوی شهر چندان موفق نمیتوند. در نتیجه به شهید سفر کرده و نزد آیت الله شیرازی سر وند و با ایشان نیز در این مورد صحت کرده‌اند. در یک کلام سفرهای فوقی ما جلب موافقت روحانیت بزرگ همراه شده است.

دو مقاله از
نشریه مغان ارگان
پاران انقلابی زحمتکشان
مغان

مبارزه بحق روستائیان

((داستان مایوسف))

راشکجه میکنند که سوسیالیست جمهوری اسلامی شکنجه کرده است. توحه
به گزارشی که هیئت سرری میکنند داده و آیت اله خمینی نیز
آرمانا شده کرده. سنتر سرری که آویزان کردن زندانی از پا و
نستی کسه، سحان به سگم و شلاق زدن، شایه جره شکنجه به حساب
سما بد چون این نوعش را حداقل در زندان متکین شهر شاهنده
کردیم و جوانان سراسر مترا اند حقیقی سما بند.

۳ - جندی پیش در روزنا مدها خواستیم که چند نفر منسار
درخا با سیای سپران بخرم اعتبار دو در خطوی چشم مردم تسرا ران
سدت. انسد دولت درای سنسد متضربست چون قیلا در ایسن
مورد مرتب المعمر شعبین شده بود که منسار سن خودشان را مجال حد
گسند و حاد با تا رخ شعبین شده منسار سن خود را معالحد
سما سدم حرم سما خسته حوا هتد و اعتیاد نیز ما سندا جا ق سواد
بحدره نحت بیکردفا نونی فرار خوا هتد گرفت. خواننده، ما تا بسد
شعبت کندا زا بسکده بی جطور شده از خانه، مایوسف سیم کیلو تیرره
ترباک در آمدت است؟ ما بد عرف کتیم قاتون محارزات معتا دین و
قا جا ق مواد مخدره در مورد آخونده های وابسته به حزب جمعیوری
اسلامی بلا انراست و نمیتوان آنها را در ردیف قا جا نجی هار
منسار دین به حساب آورد. حتی اگر نیم کیلو ترباک از خانه، آنها
کتف شده با شد و مردم بارها ترباک کتیدن آنها را دیده باشند.
زیرا روحانیون وابسته به حزب جمعیوری اسلامی قشر خاصی هستند
که دارای ابتیازات خصوصی میباشند و بدون وجود آنها ایحاد
هرج و مرج و اخناق و استبداد برای رهبران حزب جمعیوری
اسلامی مشکل است. البته، بین آنها مورد نیست که روحانیون
وابسته به حزب جمعیوری از امتیازات خصوصی برخوردارند.
مثلا طبق خبری که جندی پیش در روزنامه انقلاب اسلامی درج
شده بود یک فرد معمولی را در همدان به جرم لواط اعسار
میکنند، ولی آخوند مزندی را که رئیس پاسداران نیز بوده به
جرم لواط فقط به یک سال زندان و شصت ضربه شلاق و قطع لباس
محکوم میکنند (دادگاه انقلاب اسلامی تبریز) البته در صورتیکه
غفوسعدا ساریتی شامل نشود.

۴ - روستائیان مبارز فقط در نتیجه اتحاد بود کسه
توانستند دادگاه انقلاب متکین شهر را نیز وادار به عقب نشینی
نمایند و بدخانه، مایوسف حمله کرده و او را فراری دهند. این
نحریه درس آموزنده است برای آینده که روستائیان در هر
مسئله، اجتماعی و خواستهای دفاعی از جمله زمین و آب باید
اتحاد شده باشند و مبارزات خود را متحدانه پیش ببرند زیرا
بیروزی تنها از طریق اتحاد امکان پذیر است.

یادداشت دیگر از یک مکتبچی دیگر

سراسر روحانی یکی از آخوندهای مکار و عوام فریب
فردی است که قبل از انقلاب طرفدارش در معصدا ری
بود. او از جمله آخوندهای پستاری است که همیشه در محاسنی که
از طرف عوام تا دغاشتر ترنسب بی سالت حتما حضور می یافت و
حقیقی و نشانی برای بدتر احاد و شایه سگت (بقعه در صحنه ۴۰)

روستای کسده یکی از سواح گرمی میباشد که دارای
۳۰۰ خانوار جمعیت است. سراسر روستا آخوندی است مایوسف
که مردی عیاش و تریاکی و احتمالا ساواکی نیز میباشد زندگی
میکند. سراسر فوط در بیم بیلوی مایوسف نرها سددت
ملایان حلف و سا خلقی که از شرکت توحه بخصوصا ما به این قشر
ارجا معده قدرت رسیده است. از سر قدرت رسد و دست در دست
پاسداران و دادگاههای با اصطلاح انقلاب!! به آزار و اذیت
روستائیان پرداخت. اهالی روستای کسده حدیث بسیار از
دست این مریخ ستمگر به دادگاه انقلاب متکین شهر کسده
سرسری و لی حوا سی از همنسار مایوسف در دادگاه های انقلاب
سنگریند. مایوسف چون اعتراض و چشم مردم را می سدست
را ایستاد بستی با آسار سار داده با سدا همکاری مرجع
دگری سدا محیبی، حاکم مرج دادگاه انقلاب متکین شهر برای
سرکوب و ترسان اهالی روستا سدا میزبرد و در تاریخ
۶۰/۲/۱۵ به بیان، اینکده روستائیان مسلح شده اند، سا کمکا
چند پاسدار و پاسکا ه ژاندا، رمی طوانت به روستا هجوم برده و به
خانه کتری و ضرب و شتم و روستائیان سیردا رتد و چند نفر از اهالی
روستارادستگیر نموده و به زندان متکین شهر میرسد و آنان را
به طرق کوتاکون از جمله شلاق زدن، آویزان کردن از پا و بستن
کیسه، سیمان به شکم، شکنجه میکنند. اهالی روستا زمانی که از
این وحشگری ها مطلع میشوند به خانه، مایوسف حمله میبرند
تا حق این مرد و مرجع را کف دستش بگذارند ولی مایا بدین
خشم مردم با یک قبضه کلت آمریکائی فرار میکنند و دویسار در
زاده ات با دو قبضه ۳- و یک قبضه فشک در خانه، بلا سنگر
میگیرند و به تیرا ساری حوا سی میبردا زند. ولی مردم توحیبی
سدا تان نسوده و با جوب و سنگ به خانه حمله کرده و آنان را
خلع سلاح میکنند و خانه، ملا را بهم پیروزند و نیم کیلو تیرره
ترباک نیز از کمدش در میآوردند. شکایتی که در این ماجرا حلس
توحه میکنند تیرا رتنداز:

۱ - تمام آخوندهائی که با سدا به پاسداران و ارگانهای
مربوط به حزب جمعیوری اسلامی ما سندا دادگاه انقلاب در منطقده
مغان را بچه دارند معنی نظریتی به حزب جمعیوری اسلامی
وابسته اند، ما مل احتناق و سا سور و شلاق و شکنجه و همیشه
مردم رو در رو هستند و با مردم مبارزه میکنند و این نشاندهنده
ما هیت ارتعاشی و ضد خلقی حزب جمعیوری اسلامی میباشد.

۲ - مسئله تمدن در زندانهای جمعیوری اسلامی کسه
مسئله ای مهم تبدیل شده است و روی هم رفته اکثر دستگیرندگان
و بارند. ضیان را شکنجه میکنند و با حداقل گتک میزنند. سراسر
ضدای اس مسئله بندری زیاد شده که آیت اله خمینی جندی پس
هیئتی سنام هیئت سرری شایه سگت را ما سور سگتی ساس
مردم سده. هیئت مزبور سراسر سرری و سا زدن دارند سدا
کزارس خود را اعلام نموده و متذکر شده در زندا سیای جمعیوری
اسلامی نگه و وجود ندارند. سا کمال تا سذ حتی خود خمینی نیز
بروی این گزارش حدگذاشت و اعلام نمود که در زندان هسای
پاران نگه و وجودند و دو معنی از سروه های سیاسی خود نشان

اخبار کوتاه

کرمان: چندی پیش یکی از هواداران فعال سازمان مجاهدین خلق را بجرم داشتن اعلامیه ۵۰ ضربت شلاق و یک سال زندان و تبعید سه رتسجان محکوم میکنند. این محاکمه که ۱۳ سال پیشتر ندارد طاقت ضربات شلاق را نمی آورد. پاسداران استبداد برای اینکه "حد" ارتجاعیان اخرا شود، اس مجاهد را با شلیک مورد ضرب قرار میدهند!

درهفته گذشته جاسی معروف، حجت الاسلام فییم کرمانی، اقدام به اعدام یک نفر در کرمان میکند. این فرد که برادرش را در یک دعوا کشته بود جلوی چشمن و فرزندش به جوخه تیرسیرده مستود.

تبریز: روز جمعه مورخه ۶۰/۲/۱۸ اخبار صدای اسلامی ایران بنا صدای بلند حبری را اعلام نمود که حاکیست موسوی اردبیلی دادستان کل کشور از زندان تبریز باز دیدگرفته و اعلام داشته که اصلا موردی از شکنجه در زندان تبریز دیده نشده است و ضمیا اداره حمایت از خانواده زندانیان به خانواده های بی بضاعت کمک مالی میکنند و کارخانه قالی سازی وکاشی کاری در زندان گارا افتاده و زندانیان سا کار کردن در آن جا میتوانند. برخی خود خانواده هایشان را در آورند.

اطلاعات مشخص ما در این مورد حسن است: اولاً مورد باز دیدار زندان، آقای موسوی اردبیلی برای بازدید از دادگاه انقلاب آمده بودند از زندان، و چون زندان در

کنار دادگاه انقلاب است او تنها از در زندان به دادگاه وارد شد و تنها چند قدمی در محوطه زندان رده است. بدون اینکه کسی از زندانیان محبت و تماس داشته باشد. در مورد تکنجه هم ادعا های بخش نده، دروغ هستند. ما حاضریم حای شلاق دست و پا ببینیم شکسته و دنده های شکسته شده و ضربات سوزی را به آفتاب دادستان سان بدهیم و بایت گیم که احار بحتی نشده مادرست و دروغ میباشند. دروغ دیگر سیزده مورد در چرخسی زندانیان و خانواده هایشان میباشد، که اینهمه با مناقشه واقعات از آن دروغ های شاخدار میباشد. زندانیها در روز در زندان ۱۰ ساعت کار میکنند، ولی استیمار آنقدر شدید است که در از آن ۱۰ ساعت کار تنها ۱۵ تومان بزد میکنند. فقط ۱۵ تومان و نه بیشتر از آن. آنوقت ادعا میشود که نه تنها زندانیان خرج خونشان را در می آورند بلکه خرج خانواده هایشان را هم در می آورند. ایسهم دروغ دیگری در تکمیل دروغ های شاخدار قبلی، قرار است "مکتبی" ها حتی یک دروغ نگویند، می بینیم که در گفته های اخبار ۶۰/۲/۱۸ حتی یک حرف راست هم پیدا نمیشود!

اطفیان: یک هفته است که نرودگاه اصفهان هیچ گونه پرواری ندارد. شایع است که قطع پروازهای این نرودگاه علت اعتصاب خلبانان مانی این نرودگاه است. میباید، گویا این اعتراض نیز علت درگیری سبب خانواده، یکی از خلبانان

(یک دبیرزن) و مدیریک مدرسه بزرپوش بوجود میا بدکه این دبیرزن مورد تحقیر و بدبزر مکتبی قرار گرفته و شوهر این خانما بین رفتارها مسان همکارانش برده است.

کنیتای بنام کمیته ۹۹۹ تشکیل شده است که مسئله اصلی آن بگیری نیروهای انقلابی است.

خواهرزاده رجائی که سر نشین یک تانکر نفت کش بوده و بدون توجه به است مامورس دریکی از حادثه های اطراف شیراز مورد تاسیب کلوند برار گرفته. از نرور کتده شده است. شایع است که ایشان در حال حمل مواد مخدر بوده است.

چند خبر از اهواز

حدود یک هفته پیش یک کارگر انقلابی داخل یک تاکسی که صحبت سر او ضاع بوده از مسائل تلگتی و کار و کارگری محبت میکند و گویا کمی ندمی رو و افتاء کوری میکند. هنگامیکه از تاکسی ساده میشود، منوجه میشود یک دختر از "خواهران زینب" که درون تاکسی سوده او را تعقیب میکنند که میا دامیت نمیدهد، ولی داخل یک کوچه خلوت این "خواهر زینب" هفت تیری را در آورده و از اس رفیق میخواهد به کمیته رود که رفیق کارگر بلانا مله عکس العمل نشان میدهد و میزند زیر هفت تیرش و خوردش فرار میکند. قتل هم شنیده بودیم که تمام افراد انجمن های اسلامی را ملحق کرده اند و سه آنها گفته اند هر کسی را که ندم او مشکوک شدی حق دار است دستگیرش کنید که ما این عمل این "خواهر زینب" نظیر می آید آن حیرکا ملاحظه سوده.

در هفته گذشته تعداد زیادی از مادران هواداران مجاهدین در فرمانداری تحص داشته اند. علت اینکه در چند هفته پیش تعدادی زیادی از هواداران مجاهدین را دستگیر کرده بودند و از جمله چند خانده تسمی از آنها را. منحصن خواهان این سوده که نگلیت فرزندانشان را روشن کنند.

در هفته گذشته کارگران شهرتاری اهواز در شهرتاری منحص ممنون، ضما سنده اسحاب سکند و حوا هسان اما نه حنوی های عتب افتاده و سندی کد پاشا بول داده نده بود. سمیود. قتل سعاز سعذ سکار دیگر متحصن شده بودند. معاون سانی استاندار سزاقشان میروند و میگویند خواسته های خود را بویبید. وقتی از خواسته های آشان مطلع میشود، ما آنها میگویند هس چیز شما داده نمیشود و بد شما هم هس نیازی نداریم. ولی کارگران به تحص خود ادا مده اند. یک نما سده هم فرستادند که با کارگران منابع فولاد اعلام همستی کرد.

نورد خوزستان ۲۹ نفر از کارکنان خود را بنا م اینکه کار آموزند اخراج کرد و بسده ۹۰ نفر آنها گفته شما میتوانید در شرکت سیمان سازی تبریز بروید کار کنید (این شرکت هنوز آماده کار نیست). طرح وقت ۹۰ نفر به تبریز بوسیله دومیندس توده ای اکثریتی بنا میای زمانی و المسانی داده شده. گویا کارخانه سیمان سازی تبریز زیر نظر توده ایست. این کارخانه ترار است که عده ای ارگوار. کران سومی اهواز را اخراج کنند و ۵۰ - ۴۰ نفر شور چشمی را نکیدارند.

اخباری از اصفهان :

دو هفته پیش ، زمانیکه کارگران کارخانه شبرخا حدس میزدند که بعد از سیاحتی بیامانیت را اخراج کنید ، یکی از گروه های " حقیقت " اعلامی ای سازمان را می اش می دهد و با ملاح بشیانی خود را از کارگران اعدام میکند . روز بعد از مدوری این اعلامیه ، مدیریت کارخانه حدس ای ترتیب می دهد و با کارگران محبت میکند . وی با استناد به اعلامیه مزبور اخراج میهنی سلامت را " زیر سر کمونسنیسم " مداند و به کارگران میگوید که با توجه دست کمونیستیا ندانند . با توجه به حوضی حاکم کارخانه و تعصب و نا آگاهی کارگران ، دسیس مدیر کارخانه مونیسم را فدای کسوف حوزنا جور و فدای کمونسنیسم کارخانه حاکم شده است .

کارگران شهرضای جدید هم چنان می رزمند

بدین حال که کاری که در کارخانه شبرخا جدید ارتا رستخ ۶/۱/۲۶ برای افزایش دستمزده صورت گرفته بود ، کارگران مونیسم شدیدی از حقوق خود را بگیرند . این مبارزه برای افزایش حقوق (کارندگاری) صورت گرفت . امیر این کارگران را طرف کارگران روزی ۲۵ تومان عنوان شده بود که بدست کارخانه شبرخا روزانه ۲۰ تومان موافقت کرد . در این مبارزه کارگران روحیه وحدت طلبی خود را نشان دادند و سعی کردند بخشی از حقوق خود به سایر رهاسان کسری داده اند . کارگران این کارخانه که با اسخا خود مونیسم اخراج میهنی سلامت میور شده بودند ، این بار خواهان اخراج کلستان یکی دیگر از مردوران این کارخانه شدند .

دزدی از حقوق کارگران بی سواد

در اکثر کارخانه های و خصوصا کارخانه های رستدگی .. با فسدگی ، کارفرمایان از بی سواد کارگران سوء استفاده کرده و اغلب مبداری از حقوق با آنها به کارگران رسالا میکنند . این دردی و ذلیلانه اکثر اوقات کارخانه ها با سواد نوسرقت تا اینکه اخبار در کارخانه های سطح سطح کارفرمایان حقوقی بر سر او می کارگران هر چرخ را احکامه ها می کند و حقوقی آن را برده است میباشد!

هجوم شبانه ایرانی ارتجاع

چند روز پیش به سفرا زانادی ارتجاع موقع شب به در خانه های یکی از افراد سیاسی ساکن فولاد شهر میروند و این فرد را با پنجه سگ میزدند و حرج قرار می دهند که منجر به سیونی وی میشود .

خرابکاری دستجات تروریستی

بدینال موج حرج و مرج و آشوبی که از طرف حزبیسون و سلطنت طلبان ... در جامعه موجود آمده است ، اخبار ناامید بعضی حوادث مشکوک در اصفهان هشتم ، چند نبل خانسهای توسط گروه محمول البوعدی سازمان در برق (نظرم گروه خون و ششم ، گروه استفام ، نسیب های مختلف حزب الله و گروه های مشکوک ایرانی دست) که در ظاهر مفید اخذی داشته است منحصر میشود . روز دوشنبه ۲۱/۳/۳۱ هجری خورشیدی نسبتاً بزرگی جنوی یکی از شماره های حایان فردوسی منحصر میشود . بر اثر اسب استند رستدگی مظان که بلا حرج میشود .

به آتش کشیدن انجمن های تجاری

یک مدار جنایاتی واقع در سه روز مونیسمی اخبار استسوری خدمت با توسط همان کارخان حرب حاکم شد استر کشته شده شد با حد این به ره تری مسروز شد در هجده

اکثریتها در مقام بازجویان رسمی مستبدان

اخبار یکی از دانش آموزان هوا دار ما زمان در ... ارتوایح امنیای دستگیر میشود . این رتبی را به مرکز سینه سیرند و مورد بازجویی قرار میدهند . یکی از کتبی حایان این رفیق با رجوشی سهل می آورد . این غمگین در جیب با رجوشی رفق ما را مورد سرب و حرج قرار داده اند . در این منطقه شکاری بسیار سردی پس با هوشو کارگران رویت (شونده ای و اکثریتی) وجود دارد .

حزب کمونیستی در مبارزه با جنگ جهانی

حزب کمونیستی در مبارزه با جنگ جهانی ... حرکتها و مبارزاتی است که در مبارزه با جنگ جهانی وجود داشته است . این حزب کمونیستی در مبارزه با جنگ جهانی ... مبارزه کرده است . این مبارزه در زمان ۱۱ سال در سطح به در منطقه در کتیب و کداری و سرب های هستند و حرکتها را سرکوب کنند .

آدمکنی در مقام ریاست زندان سیاه

آقای محمدی از آزادی حزب مونیسم میباشد . وی در پیش رئیس زندان سیاه اصفهان مشغول سرکوب آزادی و تلغ و قطع آزادیخواهان است . حال اینجاست که ای غمگین در سال گذشته بحرم آدمکنی در زندان بود (شیشه ها !!) اسال شد و با سبکی از سندهای زندان سیاه سبوت شده است . جدا که این مقام نسبتاً برارنده آدمکشی همچون محمدی است .

فرقی حکومت طاغوت و جمهوری اسلامی

یکی از کارگران زن کارخانه ای که هن را هدایان است به اصفهان آمده ، شوهرش سیکار و داری در فرزند کوچک است . بخاطر بیمه کردن بچه هایش و بخصوص یکی از آنها که نسیبسی از بدنی فلج است به آقای سادات بدرکار ساقه ندی مرا حمله میکند . سادات در جواب این زن زحمتکش گفت : " در رژیم طاغوت زنهایی که کار میکنند نمیتوانستند سندهای خود را بیمه کنند و لی در این رژیم کزسی کار میکنند و شوهر آنها ساند حق بیمه کردن سندهای خود را ندارند . بنابراین از شوهر طلاق میگیرند و سندها سندها شدن بچه هایت دوباره با او ازدواج کن ."

جل خالق ! با زحمات شکرانی است که آقای سادات به دستور سر برده اند که بین زن زحمتکش جداست را از سر سر برد ناند " مروت " که بر نشان حدی ای وارد نمود ، جدا که وقتاحت میخواهد و آقای سادات و غمگینها بیان از آن سرحورس داری کامل درند!

دسته های جدید

از جمله همین سازمان که کتیبی از جمله سادات جدید سوزا ، مورد توجه ، مونیسم ، سرور و افشا ، اخراج ، مونس سلطنت افزایش دستگیر ... در کارخانه سیرم حاکم در حایان بوده است . کارگران این کارخانه بعضی از این سازمان مونیسم سوزا اند . ساروه در بعضی رسته های دیگر در حایان آدا شده اند .

یک شگرد...

بنیاد از صفحه ۱۲

اصفهان....

بنیاد از صفحه ۱۹

از هواداران سازمان بحاهدین خلق است ولذا "جرش" محرز است. ایادی حزب مسفور، برای آتش زدن معازه، از طریق خف وارد میشوند و یکبار دیگرستان دادند که میفرمی را حدی نیست.

توطئه سلطنت طلبان

بعدها ده ۸۵ نفر از کارکنان و جوانان بیرونی دریا می گردیدند از آنجا که در آنجا حاضرین کار در دستگیری دیگر بیرونی (سلبرزان در می ۰۰) نبودند، همگی استعفا می کنند. طبق اظیارات خانواده، یکی از آن تکاوران، حدود ۲۰۰ - ۳۰۰ نفر از تکاوران طی هفته های اخیر از مرزهای آسی سدوسی رفته اند. این تکاوران در زمان استبدادی مدنی حامسین رابطه نزدیکی با او داشته اند و در می دستجمعی آنها نمیتوانند بی ارتباط با ساند های شاه پرسی همجور مدنی باشد.

نفرت مردم از جماعت قدر

بعدها در ظهر روز یکشنبه ۶۰/۳/۲۷ عده ای که تا با ارجوانان تشکیل میداد، با شعارهای "حزب فقط حزب الله"، "حزب الله، بشمک روح الله" از طرف چهار باغ پائین به طرف دروازه دولت حرکت میکردند. تظاهرات کنندگان که حدود ۱۰۰ نفر بودند پس از پایان سخنرانی علی اکبر پرورش در محل حشرب جمهوری اصفهان به راه پستی برداشته بودند. مردم با حالتی بی تفاوت و نفرت بد راه پستی با ن نگاه میکردند.

شماره های ارتجایی حزب

شماره های ارتجایی حزب جدیدی بر در و دیوارهای حیا با آنها سه چشم محورد. این شماره ها که سه قصد "جوساری" برای پرورش بیرونی است، از طریق تبلیغ می نمود از طرف حزب پسند و صد آزادی حاکم طراحی شده اند. بعضی از این شماره ها عبارتند از: "مناقی روزانتقام نزدیک است"، "امروز شناسایی، فردا انتقام خون با سادار."

به نقل از خبرنامه اصفهان

بسیاری از روستاها ن. ترک نشین و گردنشین محسوب به کسروح نده اند. میا باد:

۶۰/۳/۴ - در این تاریخ یک ستون مرکب از ارتش و پاس داران کداز "ارومید" به میا باد در حال حرکت بود، به کمپین افراد مسلح حزب ما آمدند. طی این درگیری که چهار ساعت ادا شد میا باد، روستای "اسندرفاش" (شردک میا باد) از طرف بیرونی دولتی به خمپاره بسته میشود که حدتدن آرا هالسی روستای "اسندرفاش" از جمله یک زن شدت رحنی مشوتند. از افراد مسلح دستکرات دوش کشته میشود. حزب دستکرات اسلام برده است که ده ۲۰ نفر از سرروهای دولتی را کشته است.

شندج:

۶۰/۳/۳ - در این تاریخ دانش آموزی نام اسعد در حیا بان مردوخ یوسیده، مانتن سپاه با ساداران کشته میشود. بدستمال نکابت در مقبول (اسانبل) بنیاد از صفحه ۲۳

رمانی که بنا بر زه بر علیه رژیم مستور و مزدور بیلوی در سرتا سر ایران شدت گرفته بود، هنوز آخوندهای "کرمی" از جمله ابن شخصی حاضر نبودند که در راه پستی ها شرکت کنند. در او احرعسر رژیم مزدور بیلوی عده ای از مظمین مبارز کرمی اس آخوندها را شهید کردند که کرد در راه پستی ها شرکت نکنند در ابطر شموی عما مدتا نراد و در کردستان حلقه خواهد کرد و با بنان سیز در سنجه، این تجدیدات مجبور شده اند که در نظرات شرکت بسا ستند و لسی هم روز دپیش فرمانداری می رهنند و با هزار قسم و آبه سه فرماندار می کنند که ما مایل به سسسم در اینگونه نظرات شرکت کنیم ولی محوریمان میکنند و اس "خلان" را حر، "کما هان" با حساب میکنند. بعد از سقوط رژیم و عثمانی شدت بسا دستر شریکمداری و خمسی او بطوریتلحنی طرفدار خمسی شد و الان سر جسی ادقانی دارد و در اکثر کارهای احتسائی و کارهای سودآور شرکت کرد، و در جمع آوری کمک به جنگ زدگان حلی تلاش و کوشش نشان میداد. البته شاد خود در دیناری هم کمک کرده با دولتی مردم را اصلی تشویق میکرد که کمک کنند، مدتی از فضل شهادت برای مردم حشرف رد و جوانان را تشویق نمود که بیرون بروند در جبهه شمشیر. اما به مصداق آن صرب الصل کدم حشرف را با و در کسیم با حرف ملا را، زبا سیکه نوبت تجدید شدن به خود ملا سر دستمکس العمل ملاک خوردن را تصدنگ می اندازد!!

جربا نازا سغرا را است که پس سرزاسند ستام تخی روحانی تاریکی ها بر حسب اقتضای سن به سربازی رفتند و در تقسیم بندی کویا بدیگی ارجبیده ها افتاد است. آقای بیرونی سید طرفدار انقلاب! و طرفدار رنجات! و طرفدار رفاسلما متحا وزین سعی بد محض شدن این شهر که پیش در تقسیم بندی بد حیدان بساده است، سلاطین طه حرکت کرده و از هم مسلمانان خود که در بنا های سالا هستند استفا ده کرده و با لآخره پیش را به سراب منتقل کرده که در آنجا از وطن خود که خیلی در خطر است دفاع نمایند! ما از جوانانده قصاوت میخواهم که ما لآخره، حرف ملا را با و در کنیم با دم خروس را؟

اخبار کردستان

سوکان ۱:

۶۰/۳/۲ - بدستال دادگاه "خلقی" حزب دستکرات برای رسیدگی به پرونده حسین برزنجی که شخصی سام حاج حش رادر روستای "شردکا کندی" بقتل رسا شده بود، حشویون علی برشم رای دادگاه "خلقی" حشوی روز دوم خردا دفاشل رادر روستای "سوار" اقدام کردند. یکی از دلایل اقدام فریبا سرده مخالفت وی با حزب و مسئول حشوی سوئزه "شجران شنگا نشیه" است. ۶۰/۳/۳ - درگیری سیدی در این تاریخ سس با ساداران و حرت دستکرات در روستای "رحیم خان" و با بیرونی های کرد نشین اطراف میا شد و آب رح می دهد. این درگیری بدستمال حشویا ساداران به روستای "رحیم خان" آغاز می کند. از تعداد تلفات طرفی و زحیمییه اطلاع دقیقی در دست نیست. لازم بدستکرات که از اجرتک در این شمشیر کسروح با ستا است و

بنیاد از صفحه ۳

سر مقاله

روحانیت و خارج از روحانیت مخالفیم، ولی ایشان میگویند: "اینقدر تنقیب نکنید که بخواهید روحانیت را کنار بگذارید." اولاً کسی نمیتواند روحانیت را انتخاب کند، که از محده، ساسی کشور کناره بیرون دست کم عملاً مسئله، حاصله، ما این نیست. تا سا اکر روحانیت بعضی بیستی و ریسحانی و آقای دادستان گل کشور و آقای قدوسی و حنی و دیگران، که همه از مطالب آنها فراموشان به آسمان رفته، در این صورت باید حتماً این روحانیت را تحت تعقیب قرار داد ولی نه برای کنار گذاشتن بلکه برای مجازات و مجازات نشان. اکر روحانیت معنی کسانی که مردم چنگ زده را احتسبی در اردوگاه های مخروبه محارحت نمیکذارند و دائماً از اینجا به آنجا و بلان میکنند و راه نشینها همچنان پس از دو سال وعده، مسکن به آنها همچنان از نصیب بیرون از منازل معادله شده، دشمنان فراری ملت محروم نگه میدارند، در صورتیکه هر کدام از خودشان رفته اند و نوی یکی از خاندانهای مجس صادره شده نشسته و به کیف مشغولند، در این صورت حتماً باید تحت تعقیب قرار گیرند و به حسابشان هم رسیدگی شود. اکر روحانیت معنی همین عده ای که یک دسته پنج شش هزار نفری در شهرها با اسلحه گرم و سرد دستم چربا له رها کرده آنها را به جگان نظاهراتیا و گرد هم آشی ها و

اعتیادها و اجتماعات سردم میاندازند، در این صورت حتماً باید این روحانیت را کنار زد و زیر حمله قرار داد. چرا امام وقتی طالقانی را گروهی زیر حمله می گرفتند و او را در پیست استعفاش از شورای انقلاب کردند و سجدها پیش را زدند و دست نکفت میخواستند روحانیت را کنار بزنند، ولی وقتی بیستی - این معبود هویر آری گاشی که با کربیه وزاری از روشدن پرونده اش در لانه، جا سوسی جلوگیری - مورد حمله، مردم فرار میگیرد، فوراً باید دفاع از روحانیت میباشند و از دست آنها کد سخوا هند روحانیت را کنار بزنند نگات سکند!؟ بکوشد روحانیت! بکوشد کدام روحانیت! روحانیت آمریکا شی و روسی و درباری؟ با روحانیت متعبد به مردم کشور خویش؟

این گفته، امام که میگوید "هر جاشی از ایس مملکت یک روحانی مبارز هست، متعبد به اسلام، هر وقت صدایش در بیاید همه دنبال او هستند" تنها بدین شرط میتوانند درست باشد که واقعا این روحانی یک روحانی مبارز، یعنی هوادار آزادی و استقلال و متعبد به مردم باشد. البته کاری به تعهدات این روحانی یا آن روحانی به اسلام نداریم؛ سحش آن با خسود امام. لیکن بدون شک روحانی اگر مبارز نباشد، یعنی برای مردم و روحانی ایشان مبارزه نکند، هیچگاه مردم با او نخواهند بود چه برسد به اینکه در پشت او باشند. بعبارت دیگر اکر روحانی هر قدر هم که دم از مذهب خود بزند ولی حرف حساب نکند، بکنف مردم موضع نکیرد بلکه مانع تشخیص فصلاند نوری بخواد اما لیا خوف نراق و اصیان و اشراف علیه خلق توطئه کند، مردم با او نمیروند و حتی او را به دار میآویزند - همانطور که ما شیخ یاد شده

کردند. امروز ما میبینیم که مردم با روحانیونی از قماش سران حزب حاکم نیستند، حالا هر قدر هم که آنها از تعهد به اسلام و خدا و پیغمبر مردم بزنند، اینها قاعده مردم غالباً با آن دسته روحانیونی حاضرند همراهی کنند و به ندایش پاسخ مثبت دهند که مخالف استبداد و توکرفستی روحانیون باشدند میباشند. آری روحانیون مبارز امروز هم میتوانند مردم را بسوی خود جلب کنند، ولی این روحانیون مبارز دقیقاً کسانی هستند که امام آنها را مبارز و متعبد به اسلام نمیداند و از اطراف خود کنار رده است.

خود امام بعنوان یک روحانی ستوانند آزماستی کنند، ما سندی خلاف این سخنرانی های اخیرشان، که حتی یک شعار هم علیه آمریکا و ایرقدرتها و دشمنان واقعی مردم ندارد، در طریق آزادی و استقلال و روحانی مردم حریف بزنند، البته مردم با ایشان خواهند بود؛ لیکن بیایند همین حرفها را تکرار نکنند و به توحیه و تائید سیاستهای خاندان برانداز و ضد مردمی حاکم برد دولت و مجلس بپردازند، خواهند دید که تعداد خیلی کمی با ایشان خواهند بود از انبوه مردم سرعت جدا خواهند افتاد. بیایند و روشن بگویند "درود بر بیستی" و اعوان و انصارش، مردم را با خطرات مخالفت لوجانهاشان با این روحانیت تکفیر کنند، خواهند دید حتی این تعداد قلیل هم از اطرافشان فرار خواهند کرد و علی حواله ما ند و حوضی. اگر ایشان بدین معنای سب و نذارند، امتحانش محاسنی است. آتوققت خواهند دید که در آخرین تحطیل مردم با اسلام و روحانی نیستند، که هر چه بگویند بشود، بلکه با حرف حساب اند. با حق اند و بیباک ساظیل!

اما از همدنا درست ترو خوش خیالانه تر این گفته، امام است که گویا وضع جامعه بحران نیست و کشور با بن بست روبرو نیست، باید مفهوم کشور با بن بست روبرو نیست؛ باید مفهوم کشور راه در روشی از اوضاع بحرانی و کربیز از تکرار اساط سابق و خوددارد و این راه همانا راه بر انداختن حکومت مفده جو - بیان و خاشان بدانقلاب و کشور، بهم زدن این مجلس و دولت وغیره و تشکیل یک حکومت واقعا انقلابی و متکی به مردم و دعوت مجلس موسسان ملی برای تعیین تکلیف بسیار توائل خراسی و انحصراف و حساب نهاد انقلاب و وضع قدرت در کشور ما میباید. ولی سب و وجود حکومت ایسها، با وجود این مجلس و دولت و خاشان - کاری ها، کشور صد در صد در بن بست است و یک راه بازگشت از این کوچدین بست به عقب وجود دارد. خود امام هم با وجود آنکه با اصرار میگوید بن بست درگاه نیست و "شما به بن بست رسیدید... مملکت اسلام که به بن بست نمیرسد"، میدانند که خود ایشان و مملکت اسلام ایشان هم در بن بست است؛ والا با شما مجبور نبودند که خود را از طرف ایشان را در همین سخنرانی از "خطرانفجار" و "فتنای همگی" بترسانند و بگویند "بترسید از اینکه یک وقت یک انفجاری حاصل بشود و همه، ما را با شما بدهد"، "بترسید که ممکن است یکی از ایام اللہ خدای نخواسته باز پیدا بشود و آرزو دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن قضیه این است که فاتحه، همه، ما را میخوانند." "خطرانفجار" و پیدا شدن یکی از "ایام اللہ"، که ممکن است فاتحه، همه، شما را بخوانند، دقیقاً یعنی بن بست، بعضی اینکه شما هم حضرت امام مدرس بست فرار گرفته اید و کشور



مسئله بانک مرکزی

رهنمود برای شرکت در جنگ

ک. ل. از تیران (؟)
رسیده است :
" با توجه به رهنمودها -
رمان در مورد شرکت در جبهه های
جنگ بطریق کژناگون، اگر هوا -
داری از طریق نیادهای دولتی
سهای اعزام به جبهه های جنگ
در مرز ایران و عراق به جبهه -
های داخلی (غرب) اعزام
نکرد و حتماً بجهه در مقابل نیروی
شمر که غیرواستبه قدرتیای
سیکا به کویله، بیگار، وحدت
کمیونیستی و ... قرارش دهند
تکلیف العمل او چیست ؟ رهنمود
سازگان در این رابطه چه بوده
و هست ؟"

پاسخ : سیاست سازمان
عدم شرکت در جبهه های جنگ
داخلی از جمله در کردستان در
جبه طرف این جبهه ها بوده و
سازگان، و هیچک از هواداران
بازمان، اگر واقعا هوادار
هستند، بدین جبهه ها نخواهد
رفت. مسائل داخلی نظیر
مسئله کردستان مسائل ملی در
مجموع فرعی در کلیت تضاد -
هایی است که انقلاب در کشور ما
با آنجا روبرو است و سرانجام ما
تکیه بر توده های مردم کرده و
وحدت تمامی مردم ایران و بس
نسب سروهای انقلابی و ترقی -
خواه ها را مدخل خواهد گشت.
مقدم مراحل این گونه مسائل
داخلی، حل مسئله قدرت در
تیران است. بنابراین به
مسای تا شدن اعلان گروه های
سحر و آنت - سنی نظیر گروه
" وحدت کمیونیستی " در ایسی
جبهه ها، که بنفع بیگانگان عمل
میکنند، بسیارند.

رقبای از تیران سئوالات
زیرا در ارتباط شماره ۱۲۱
" حقیقت " طرح کرده است :
۱ - " از آنجا که از دعوا
بر سر کنترل بانک مرکزی سخن
رفته است به خوانندگان این شپه
دست سید هد که گویا ما از کنترل
کنندگان فعلی این بانک
بنیانی میکنیم. " (رجوع
کننده سترن ۲ منجه ۷ همین
شماره) .

پاسخ : اگر س مقاله
شماره ۱۲۱ را دوباره مطالعه
کنید سوجه خواهند، که
اصولاً به تلقین شیئی از این
شییل تیره اخته هر چند تا آنجا
که کنترل کنندگان فعلی بانک
مرکزی در برابر برتری
حریص حزبی مقاومت کنند هیچ
اشکالی ندارد که چنین نیبه ای
بدخواهنده دست دهد. در واقع
ما چنین مقاومتی را تنویق هم
خواهیم کرد.

بورژوازی ملی و کمپرادور

۲ - در این قسمت
(یعنی ستون ۳ صفحه ۷) گفته
شده است که در دو فغان تمامی
بخشهای بورژوازی ملی از
بازرگان تا ... بدین علت
بلند است که حزب بون در حال
پیوند زدن سرمایه داخلی، با
سرمایه امپریالیستی میباشند.
تحلیل فوق احتمالاً دژ مورد
بختی از سورژوازی ملی ایران
میتواند صادق باشد لیکن جناح
راست این سورژوازی خود از
وجود چنین بیوسنی جنسندان
تارامی سوسیالیستی باشد.
اساس این دادگان توسط این
بخش از بورژوازی را میبایستی
در این جستجو کرد که از حریف در
حال شکست زیری گرفته باشند.

پاسخ : نکته مورد توجه
مقاله، که اگر دولت کند سوجه
خواهد شد، اینست که نشان
دهد که شما حکومتی میساز
حربانیا شی نظیر بازرگانان،
بنی صدر، جاما و ... با حرکت
ارتجاعی و انحمار طلبانه
حزب حاکم در ما هست امرانکا -
سی از تعداد سان بورژوازی ملی
(ضمانت حصار و غیر کمپرادور -
دور) و سورژوازی انحصاری و
کمپرادوری (هر چند نخواهند)
میباشند. طعنا مونسبت جناح -
های مختلف بورژوازی ملی در
این تضاد یکسان نیست. علاوه
با بد توجه کنید که چه سیاری از
تضاد منتهی که این گروه بندی
دلالتی - ارتجاعی و ضد ملی
بورژوازی (در واقع بورژوا -
ملکی)، که بیام اسلام و مکتب
در عرصه اقتصاد و سیاست کشور
نیرو گرفته، خود از درون همان
جناح راست بورژوازی، از درون
قشر متوسط تجار و غیره، بیرون
آمده اند.

اهمیت یا 'امت'

۳ - آیا بهتر نبود تا
بجای مخاطب قرار دادن " امت "
امت واقعی را مخاطب قرار
میدادیم. طرح این نکته س
امت یعنی جریانی که در جامعه
بایه چندان نداشته و اصولاً
در این مقطع در سر رباها نیز
نیست ما شده چه منظور است. س
نظر من بهتر این بود تا این
نکته مطرح شود که این دمنگان
دادن های منگی شده در روز -
نامه " امت " نشان ارورود
محدود بینان یا عناصری مگلا از
همین قشای بعنوان یک آلترن -
سایورای حذف شمر بوفست
مردم نسبت به حزب میباشند.

پاسخ : طعنا بر حورود
به تشریحاتی از قبیل امت
ما نظریه همان است و انحصاری
است که صورت بگیرد. و در
واقع نهاد ریختن دوم سئوالات
خودتان پاسخ خودتان را هم
داده اید. یعنی طرح اینک
" امت " میگوید که خود را بعنوان
یک " آلترناتیو " طرح کند.
صحیح است اما ما فکر کردیم
" امت " در فرموله کردن یعنی
نظریه را انقلابی فرموله
کردن برای بخشهایی از جوانان
شان و روشنفکران سقش ایفای
میکنند. از این رو سر خوردن سان
در جدی متعادل ضرور است.

بفید از متحد
سرمقاله
را به نقطه ای گشاده آید که با
ما سدیدوار را نکات و جلورفت
و ما تسلیم شده ایم و وضع
سابق برگشت. برای هر رژیسی
بیست یعنی بوجود آمدن
تراضی که مردم خطر انفجار
و یابیران شما " غیبت الی " -
میروند و امروز با استناد همین
سخرانی پر غم و غم هم
میتوان بدیدیدار شدن این
شرایط قانع شد.
استقامت ما میباید
اید در این بن بست بماند و
بگوید بن بست نیست، ولی
مردم ایران در این بن بست
نخواهند ماند. در جا شمشیر
زد و هیچکس هم در جا نمیزند،
با با بدنی به تهی س را داد و
دوباره بن س بیدگی بیگانه
و استمداد دوفلاکت گذشته داد
هر چند بر پرده دین ما شدیا
غیر - یا باید س طرز کام
برداشت و کشور را از سست
و مخمض تا رخی نجات بخشند و
راه بیتری انقلاب سیمس
۱۳۳۷ را کشود. در ایستوارت
ما با از روی لانه دارودشده
ارتجاعی مستند و حب سست
حاکم یعنی حرب و دولست و
مجلس و رای دهندگان
کدایشی سرور کرد.

کردستان

بقیه از صفحه ۲۰

از پاسداری گذراننده، ماشین بوده است، کار به دادگاه می‌کشد. در دادگاه مزبور (دادگاه انقلاب اسلامی) یکی از جاشیا حضور می‌سازد و ادعا می‌کند که پدر مقتول را پیشنا سداو اینکده نامبرده بر دیگیری داد که پیشمرکه است. رئیس دادگاه همحض شنیدن این مسئله که پسری که پدر مقتول پیشمرکه است دادگاه را تعطیل و پرونده را می‌بندد. اما عمل (پدر مقتول) لاجاحت سخرج می‌دهد و همراهی برای رسیدگی به پرونده مزبور، متوسل می‌گردد، اما نتیجه‌ای نمی‌گیرد. اما با اینصورت دست از تعقیب مسئله برنمی‌دارد تا اینکه در تاریخ ۶۰/۲/۲۴ در خیابان نردوسی و با زهم بوسلده، مانن با سداران به نروتن سمرنی دچار می‌شود. حدودی را دروسای "گیلان" (نزدیک سنندج) سرود و دیگر همگی جرت سعتا سن جایت را نسکند و حتی پرونده‌ای هم تکمیل نمی‌گردد. زن بنشول تبرکده دیگرگی را در سپرند! رده روستای " گیلانده " کوچ می‌کند.

۶۰/۳/۶ - ساعت ۱۱/۳۰ چهارشنبه شب، یک سراهی در خانه جاشی سنم محمود مفاخری واقع در خیابان سیروس، محله بیرمحمد، منعجر می‌شود که منجر به تگست شدن نیشده‌های فرد مزبور و همچنین خانه، همابه‌ها می‌گردد. این انفجار رخسارت جاشی نداشیت.

۶۰/۳/۹ - ساعت ۷ بعد از ظهر شنبه فردی بنام مالح کالی برحاجی احد در خیابان نردوسی - انقلاب پس از چند دقیقه جرو بحث با یک پاسدار تصمیم می‌گیرد که از جنگ پاسدار فرار کند. اما پیش از چند قدم از پاسدار دور می‌شود که مورد اصابت گلوله کمری کالیبر ۴۵ پاسدار ترار می‌گردد، فرد سرور در حالیکه در خون خود می‌غلتد فریاد می‌زند که من مالح برحاجی احمد هستم پس از حد لحظاتی سدا مزبور با سرده را به بیمارستان منتقل می‌کند. جزا احت فرد مضروب بسیار شدیدا است و به احتمال زیاد زنده نخواهد ماند. عده‌ای در حدود ۱۰۰ الی ۱۲۰ نفر در محل حادثه جمع شده بودند اما در عین اینکه همه زخمی‌ها فروخته بودند، بحز سمار - های پراکنده (مرک بر پاسدار) اعتراضی صورت نگرفت.

۶۰/۳/۹ - انوبوسی که از سنندج عازم تبریز بود در راه سنندج - دیواندره (سهراد سبجار) در نزدیکی روستای باقلا - آسدمورد با زید پیشمرکه‌ها (کوله‌لده) قرار می‌گیرد و توسط سرتین اتوبوس همگی حزیکی نفر که شخصی بوده همگی پاسدار و ارتشی بودند که همسرا به گروگان برده اند و در این روز در این حادثه درگیری‌هایی بین پیشمرکه‌ها و نیروهای دولتی رخ داده بود.

نکته!

ظریفی از نورالدین کیا روسی نوه، شیخ فضل الله واعظ المصلطین ایدهم الله تعالی برسید: " در اما فاشان اندر بحث آزاد بخوند ساه، سثوالی پیش آمده و تناقضی بچشم خورده. " نورالدین سا طنز و غمر در جواب گفت: " ما هم همین را می‌گوئیم. نقاط اشتراک فراوانی ما بین ما هست، بفرما تا در جری سده، شریفه، مردم نریب، در سخن پرستی و باخ، حواستان را بدهم. " ظریف گفت: " در توستن آزادی از مجموعه اسناد معویه، هدهمن با سوسنار حسن نقل کردید که حق اعتنا پ برای رحمنکشان جزء لاستجرای آزادی اجتماعی است. پس چگونه در سلس روزنامه، مردم سرور با حروفی بزرگ می‌نویسید: اعتصاب نوظفه، ضد انقلاب است. و هر

جا این روها کارگران و زحمتکشان اعتصاب کردند، از کارگران شرکت واحد ایران - با سونال گرفته تا کارگران سدر حمبی ولستان، عمیل آنجا را محکوم کرده و ضدا نقل - شان خواندید؟ " کیا روسی، بالسخند بلخی برلت، در حال مکن - برانی گفت: " ما هم همین را می‌گوئیم. شاهد اساسی زبا - دی ما بین عقاید ما و نظرات شما وجود دارد. شاعروفی منش و پارسی ایرانی، هاتسف اصفانی رحهاله علی الاولین والآخرین سدر ما سده: دلخی بدست آر تا کسی باشی. تتسرایین بندابست که برای کس قدرت و خدیت به ارساب خوش رفی مجاز و ساقض گوئی روست. با جحیزی گفتیم. ما هم همین را می‌گوئیم. نقاط اشتراک فیما بین ما بسیار است. حزب نموده همیشه اینگونه شعارهای مترقی میداده. با شرط بستیم. "

لایه‌ها

بقیه در صفحه ۲۵

اسلامی را بر عهده گیرد و برپا یابد، این تحقیق اقدامات قانونی لازم را در باره این سازمان عمل آورد. " (همانجا) این پیشنهاد "نداشان" (اکثریت) سده معنی است و در عمل چگونه مستوا سدیاده شود؟ این پیشنهاد سعی اینکه مثلا آقای رسنجانن رئیس مجلس شورای اسلامی، از سببان نما بیدگان تجلی هشتی مکتبی را متشکل از آفابانی چون علی اکبر پرورش، حجت الاسلام معادخواه، سشارتی - جملگی از سا و اکسپا و وارزده‌های خود فروخته - انتخاب کرده تا به حساب این سازمان سر دسته آن، دکتربهشتی، که ارباب خودشان سیزهست رسیدگی نمایند.

ما از قبل به "نداشان" (اکثریت) می‌گوئیم چنانچه آقایان بهشتی و رسنجانن به این پیشنهاد شما توجه نکنند و نخواهند در حواست شما راجاه، عمل بیوناسند و هیشتی را ما سر رسیدگی به حساب " سازمان شعاون اقتصاد اسلامی" بسامیند، نتیجه این همان خواهد شد که در باره " شایعه " شکنجه تحفیق و بررسی و سیدگیری عمل آمده شما هم نتایج را با وقاحت تمام درست، صحیح و واقع بینانه ارزیابی کردید.

اما با زکردیم به مسئله، شعبین حدائق دستمزد کارگران، " نداشان" (اکثریت) پس از اینکه با شرکت سوا استفاده - های ضد انقلابیون و سرالیا را علم می‌کند، سدا کارگران هم رهمود علی می‌دهد که جدا بیدکنند و جدا بیدکنند. (اکثریت) وظیفه کارگران را چنین سرایتان مطرح می‌سازد: " اما وظیفه، تنکل های کارگری در قبال این مسئله

بقیه در صفحه ۲۴

حقیقت ارگان

اتحادیه کمونیستهای ایران را بخوانید

لايه ها....

بقیه از صفحه ۴۳

در سپهائی...

بقیه از صفحه ۱۲

(حداقل دستمزد) چیست ؟ کارگران باید قبل از هر چیزی خود را نسبت به این مشکل را تنها در افزایش دستمزدها خلاصه نکنند و جدا این یک برخورد خود بخودی و ساده با مسئله فوق الذکر بوده و گریزی از مشکل نخواهد کند. اگر بنا بر سر این موضوع کنونی ، پایه های افزایش دست ها را بر این دستمزدها را طرح کنیم میدان را برای سایر مسائل دستمزدها و قیمت ها باز گذاشتیم ، به تنهایی قیمت ها قابل ملاحظه نخواهد بود ، بلکه نمایندگان سر- مایه داری محال آنرا خواهد داشت تا عوام فریبانه و با استدلالاتی و تزویر مدعی سودکده : طلب اصلی تورم افزایش دستمزدها است سرمایه های احتیاری و بررک و سودجویی غارتگرانه ، آنرا " (کار) (اکثریت) (شماره ۱۰۵ - ص ۱۸)

حرکت کارگران بخواهند برای کسب حقوق خود دست مبارزه رساند مسلمان ضمه کارکرد سپهائی آنها روی بیوسیتتهای خائن بدستهای مختلف نمی میکنند در مقابل حق طلبی کارگران و رحنکشان میباشند. در همین باب نیز حزب سوده و " فدائیان " (اکثریت) در هیاتت به کارگران و زحمتکشان کسوی سخت را از خود سرمایه داران به راستی گذریده اند. آنگاه کم کارگران مصمم اند برای سود ویژه که بخشی از حقوق آنها است مبارزه کنند این روی بیوسیتتهای مطرح میکنند " البته سود ویژه حق نیست ، لیکن سایر شرایط و ویژه جنگ از گرفتن آن خود داری کنید. " آنگاه که کارگران مصمم اند برای بالا بردن سطح دستمزد خود نسبت به تورم و گرانی که عامل اصلی آن همبستگی سرمایه داران و دلالان و دولت آنها است مبارزه کنند ، روی بیوسیتتهای ریکارک بیاد مبارزه با حسد خود بخودی " مبارزات کارگران افتاده " و " سایر " بین دستمزدها و قیمت متورم اجناس و کالاهای مورد نیاز کارگران را نادیده و غیر منطقی قلمداد و آنرا تحریم میکنند و اظهار میدارند که امروز کارگران باید برای " ملی کردن تجارت خارجی و تقویت تعاونی های تولید و توزیع " مبارزه کنند. آخر با دیده این فرصت طلبان خائن به طبقه کارگر گفت که کارگران آنگاه و مبارزه خوب میدانند که " ملی کردن تجارت خارجی " یا بعبارت دیگر " دولتی کردن تجارت خارجی " توسط این دولت وزیر چتر آن ، چیزی است نباید " ملی کردن صنعت نفت " توسط شاه مدنون و هیچ دردی از کارگران ، دهانان و ملت دوا نخواهد کرد.

کارگران آنگاه و مبارزه با بددرا لیکه هواداران صادقان را روی بیوسیتتهای " فدائیان " (اکثریت) را با بحث و اساع سوی انقلاب و ملی انقلابی خود جلب میکنند ، غاصرو توانایی جبران عذک رکری ، مدلی و خائنان را همچسوز غاصرو توانایی حل حرب شده خائن ارضی و خویش طرفدارانند. ملی صحیح است " لایه های بیدارند و آنها میکاردند ، اما رهبران " فدائیان " (اکثریت) سیال روی بیوسیتتهای میگاریند.

حق کشی مسئولان و سرمایه داران میباشند به ما ثولیتتیا و استقلال نیست دهند. ولی حرف رک و پوست کنده شان این بود که اعتبار با یستی شکسته شود و در عوض باید عریضه ، ناله و نندبه و خواهش و تمنا بدرنگا دستبندی همه بدبختیها و فاجایع برده شود. در تهران ، مسئولین انتظامی از تماس کمیته موقت اعتبار با کارگران جلوگیری کرده و آنها را عملاً در یک اطاق رسانده میکنند. بیعت و وجود نفرده در میان کارگران تهران ، خدمات سی دروغ توده آنها و اکثریتیها بد مرتجعین و حاکم بودن جوتهید و ارباب ، ادامه اعتبار در آنجا موفقیت آمیز نبود. ادامه مقاومت در کرج هم در گرویا کبری اعتبار در تهران بود زیرا سپهران یک بخش تولیدیست ، در صورتیکه در کرج عمومست استیجای خدماتی و صنعتی وجود دارد. سایر و خود یک جنس حوی، کمیته موقت اعتبار با تنظیم یک قطعاً مد و تعسب میلیتی برای مسئولان اعتبار را مؤلفا با شان داد. متن این قطع - نامد و مصیبات مدراج در آن ، مورد نالید و خصومت کارگران نرا رکرت ، مضمون تقریبی این لطفاً مدحین بود :

" ما به خدا انقلاب هستیم و نه ستون پنجمی. ما کارگرانی هستیم که برای جواستجای به حقمان دست به اعتماد زده ایم. خواسته های ما عبارتند از

- ۱ - ۲۰ روز سود ویژه
- ۲ - اذانه دستمزد سالانه بر حسب تورم و گرانی ما تا حداکثر روز سه شنبه هفته آینده به شورا مهلت میدهم که مجمع عمومی متشکل از کارکنان تهران و کرج تشکیل دهد تا از طرفی کارگران خواسته هایشان را مطرح کنند و از طرفی نمایندگان شورا در مورد بخشش مدو آشین نامه ارتجایی جوا بکوی کارگران باشند. و برای نشان دادن اشتراک خود و برای مبارزه با آوردن شورا ، از روز شنبه روری ۲ ساعت از ساعت ۲ به بعد دست از کار میکشیم و کم کاری میکنیم.

روز شنبه عملاً اعتبار با ادا مدنیافت ولی کار این میان چهره واقعی شورا ، توده ایها ، و توده ایهای خائلی یعنی فدائیان (اکثریت) برای کارگران آشکار شد. مبارزه افت و خیز دارد و هر عدم موفقیت با دیدای با شد برای پیروزیهای آینده. ما امیدواریم کارگران با شراعت و مقاومت و با جمع بندی از مبارزاتشان در کسب حقوق ضایع شده خود از پانته نشینند.

بقیه از صفحه ۱۶

اکتور اعضا شورا در فارس سرگشته اند. در مورد وضع و اینکده خواهد شد فقط اظهار میدارند که به امید خدا همه چیز درست خواهد شد. آخرین خراسان است که سعادت از زنگنه نیز با خوانین و بیبارت دیگر و بقول خودشان با گرمسیر سرت سها بی گرفتند و حتی دیده شده که اسلحه و فشنگ بر روی سرت سها کرده اند. ما باز هم در این زمینه گزارش خواهیم نمود.

لاله‌ها...

بقیة از صفحه ۲۶

راتامین و تضمین میکنند، درخواست میکنند که ما خود به مبارزه برخیزد. آیا پویان ها، احزاب و جریها، آن لاله‌های سبزی، آن انقلابیونی که شما "اکثریتی" ها خود را وارث سنت های پرافتخار آنان و انجود میسازید، بر نامه شان آب شده است؟ بود که ز هوی های مجدوم درخواست مبارزه با خیانت های خنای ها و ثابت پایداری ها و اشرف ها و امثالهم را بنمایند؟

در اینجا لازم است به ذکر یک نمونه کوچک از سیاست و عملکرد دولت جمپوری اسلامی در زمینه افزایش تورم و گرانی بپردازیم. دولت جمپوری اسلامی بزرگترین حصار حرماي کشور را در همان زمان و تولیدکنندگان حصار است. بنا به گفته شخصی اسامی نامش در دسترس نیست در منا حصار گار و لوسویون، دولت در سال گذشته این محصول را به قیمت هر کیلو ۳۷ ریال از تولیدکنندگان حصار خریداری کرده است و امسال نیز میخواهد به همین قیمت حصار را حصار خریداری کند. همه میدانند که این کالا بحاطرت تورم را بودنش بسیار زیاد است و به واسطه کارگران و زحمتکشان به مصرف میرسد، و همه میدانند که قیمت این جنس در بازار هر کیلو ۲۰ تومان است. اگر خراج حمل و نقل و سودیکه دکاندار فروشنده از هر کیلو حصار میبرد رویهمرفته مساوی با قیمت خرید و تولید محصول بحساب آوریم، مصرف کننده میبایستی برای هر کیلو حصار حداکثر ۲۰ تومان بپردازد. اما همانطور که گفته شد قیمت حصار در بازار هر کیلو ۲۰ تومان است و معلوم نیست ۱۲ تومان مابقی به جیب چه کسانی می رود جز همین تجار و محتکرین و دلالان مفتخوری که دولت حصار را زایدست آنان میسازد، بحیثیت دیگر در خدمت آنان عمل می کند. جالب اینجاست که امسال دهقانان و تولیدکنندگان حصار حصار خسته اند و حصارهای تولید شده را هر کیلو ۳۷ ریال به دولت بفروشدند. آنها پول بیشتری را بطلب میکنند و این دولت حصار مستضعفان و در واقع نماینده محتکرین و دلالان و مالکین در حالیکه از هر کیلو حصار حداقل ۲۲ تومان به جیب میزند هنوز حاضر نشده است دیناری بیشتر به دهقانان تولیدکننده بپردازد. در حال حاضر در کشور ما بزرگترین و منسجمترین تشکیلاتی که ما بحیان سرما به های بزرگ تجاری، محتکرین و دلالان بزرگ در آن خود را متشکل ساخته اند سازمانی است بنام "سازمان اقتصاد اسلامی ایران"، "فدائیان" (اکثریت) این سازمان را خوب میشناسند و درباره آن نوشته اند:

"سازمان تعاون اقتصاد اسلامی" جدا از نیات حصار که احیاناً در پی ریزی آن وجود داشته، هم اکنون به پوشش مناسبی برای فعالیت های مخرب و مداخلاتی تحار... محتکران و دلالان مفتخور تبدیل شده است و ارکان سال این سازمان در مقابل اقدامات ترقیحوا ها نه... کار نمکنی میشود. ("کار" (اکثریت) شماره ۱۱۵ ص ۵) بنظر می رسد که "فدائیان" (اکثریت) سر دست همه این صاحبان سرما به های بزرگ تجاری، دلالان بزرگ مفتخور و محتکرین و مداخلاتی را نیز شناخته است، زیرا که در ادامه نقل قول فوق الذکر چنین می نویسد:

"ما و خود این دکتر بهشتی در منا حصار در مورد این...

سازمان اینگونه اظهار نظر میکند: (نقل قول از منا حصار بهشتی)

"این سازمان، سازمان فعالی است که میگوید در این دوره بحری حصارهای ما را بر آورده کند و عده قاسم ملاحظاتی از اعضای آن از افراد فعالی هستند که در طول سالهای انقلاب فعالیت داشته اند و اشتیاق من این است که اینها با حسن نیت بدین کار دست زده اند، اما راجع به جزئیات کار آنها اطلاعاتی ندارم و وقت این کار را هم ندارم که وارد جزئیات آن شوم." (نقل از "کار" (اکثریت) - شماره ۱۱۱)

سازمان "فدائیان" (اکثریت) رابطه این سازمان با کارگران، محتکرین و دلالان مفتخور و بزرگ تشکیل شده است را با شخصی اول منسلکت اعلیحضرت دکتر بهشتی خوب متوجه شده اند.

قابل توجه مشتریان عزیز که ناز را به نوح روز میخورند!!

سازمان اقتصاد اسلامی ایران

آرد جهت فروش در تهران و تبریز موجود است

تلفن ۳۰۴۲۰۸ - ۳۱۳۱۹۲



اعلیحضرت نیز در این منا حصار میگویند که این سازمان اول از افرادی تشکیل شده است که چون خود ایشان در سالهای انقلاب کلی "مبارزه" کرده اند، و اکنون هم با "حسن نیت" فعالان مشغول کارند تا نیازهای ایشان را بر آورده سازند، یعنی جیب های فراخ و حسابهای سانکی متعدد اعلیحضرت و همسالکی ها شان را از دسترنج و دستمزد کارگران و زحمتکشان که خون دل بخوردند تا لقمه نانی بکند آورند، بر سازند، و طبیعتی است اعلیحضرت و وقت این را ندارند که وارد مسائل جزئی این سازمان شوند.

لکن "فدائیان" (اکثریت) بر اساس خط مشی خاشاک روی برپوشی که آنها ذکر کرده اند، حتی به صرفه شان نیست که به محبت های رنگ و پوست کنند ولی محبت شان هم کوی فرادهند، انسان خود را به کوجه مشی جیب رده و می نویسد:

"ما بنسباید که بهشتی ز برض مجلس شورای اسلامی تحقق در باره فعالیت های سازمان تعاون اقتصاد بقید در صفحه ۲۶"

فداکاران بیدارند... اما...

فداکاران اکثریت نهال رو زیر پشم میکارند!

است مسئولان... کج اندیشی: دولت سرچشمه... نگاه نظارت... (اکثریت) بکار رفته... دولت خود...

اما کارگران... این دولت... سگ... در مورد... این دولت... (اکثریت)...

در خصوص... (اکثریت)...

" مسئولین... با عوامل... راه... صدور... عواصم... شان... هاشمی... رحمتیان... را در... جبهه... (اکثریت)...

آری... بخار... است... با... مافع... ۲۵

بالاخره دولت... در حال... (اکثریت)...

در حال... (اکثریت)...

در مورد... (اکثریت)...

در مورد... (اکثریت)...

" در این... دولت... بنا... (اکثریت)...

" (اکثریت)...